



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
علی اصغر جعفریان، فرحناز حدادی،
لیلی محمدحسین، منصور ملک عباسی و
حبیب یوسفزاده
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۵۲۰
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: moallem@roshdmag.ir
تلفن پيام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد دفتر مجله: ۱۰۲
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۵-۶
شمارگان: ۳۲۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

یادداشت سردبیر / مدرسه انقلاب / محمدرضا حشمتی ۲

همگام با تحول / ابزارهای تغییر و شیوه‌های شایسته / دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا ۳

سواد مالی / ارزش افزوده عمر / دکتر امید مهرابی ۶

تنفس صبح / معلمی در ته کلاس / صدیقه باقری ۹

همگام با تحول / شایستگی‌ها، جهت‌نمای برنامه / دکتر لیلا سلیقه‌دار ۱۲

تجربه‌ها / دغدغه آبی / سعیده باقری ۱۶

دنیاى نوجوان / هویت‌یابی / ریحانه ایزدی ۱۸

تجربه‌ها / مدرسه معلمی / علی فرخ‌مهر ۲۲

مدرسه‌های ایران / فضاهای کلاس درس / فرزانه نوراللهی ۲۴

راهنمایی و مشاوره / دیوار اضطراب / حدیثه اوتادی ۲۶

سواد حقوقی / قراردادهای نامعتبر / احمد مختاریان ۳۰

طرح درس / کلاس درهم / سیدرضا میرقاسمی - صابر کرباسچی ۳۳

معلمان بزرگ ایران / حسین گل‌بیدی / جعفر ربانی ۳۶

معلمان قرن ۲۱ / رشد معلم در مالزی / دکتر نیره شاه‌محمدی ۳۸

گوناگون / فراخوان مقاله ۴۲

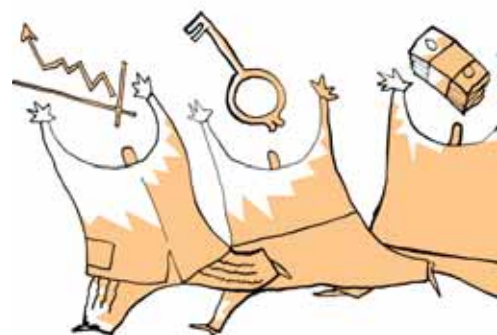
موزه / مدرسه‌ای که موزه شد / سمانه آزاد ۴۴

جدول / غلامحسین باغبان ۴۶

تیمز / بهانه‌ای برای تیمز / غلامرضا لشکر بلوکی ۴۷

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بریک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● شماره تماس نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



مدرسه انقلاب



و خردمند، دانش‌پژوه و علاقه‌مند به علم و آگاهی، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و... را براساس نظام معیار اسلامی فراهم می‌سازد.» در بیان مأموریت مدرسه، از معارف اخلاقی، از خودگذشتگی، تعاون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، دروغ نگفتن، رعایت حقوق دیگران و... صحبت می‌کنیم. اما حاشا که یادگیری این موضوعات با سخنرانی کردن و خواندن متون حاصل نمی‌شود! دانش‌آموزان باید با این اخلاقیات زندگی کنند و آن‌ها را در عمل بیاموزند تا یاد بگیرند و بخشی از وجودشان شود. زندگی کردن با این فضایل به فرصت احتیاج دارد؛ همان فرصت یادگیری!

این فرصت‌ها باید با تألی و آرامش اما پرچالش در مدارس ایجاد شوند. آرامش به معنای کندی نیست. آرامش به معنای نداشتن اضطراب و هیجان است. دانش‌آموز باید در محیطی مملو از صلح و صفا این مفاهیم را یاد بگیرد. باید برای او فرصت و نیاز به ایثار کردن پیش بیاید تا او ایثار را یاد بگیرد. نمی‌شود این مفاهیم را قراردادی و کلاسیک به دانش‌آموزان آموخت. مثلاً در اردو می‌بیند که معلمان مدرسه و هم‌کلاسی‌هایش، بدون اینکه کسی متوجه شود، از حق خود می‌گذرند، اما نه برای اینکه در کارنامه امتیاز مثبت به آن‌ها تعلق بگیرد!

حال سؤال اساسی این است که امروز، ما معلمان باید چه زمینه‌هایی ایجاد کنیم تا دانش‌آموزان مانند دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از فرصت‌های یادگیری مدرسه به‌گونه‌ای بهینه استفاده کنند و بهره ببرند؟ پاسخ شما چیست؟

دهه مبارک پیروزی انقلاب اسلامی را جشن می‌گیریم، در حالی که کمتر به نقش دانش‌آموزان و معلمان در این انقلاب توجه می‌کنیم. همه ما می‌دانیم که در پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت دیکتاتور شاهنشاهی، همه اقشار نقش داشتند، ولی نقش مدارس در آن بی‌بدیل بود، به‌خصوص:

- راهپیمایی‌ها و اعتصاب‌ها در مدارس، خصوصاً در سال ۵۷ بسیار گسترده بودند؛

- معلمان مدارس در روشننگری دانش‌آموزان و دانش‌آموزان نیز در روشننگری اولیا نقش مهمی داشتند؛

- مدارس به‌عنوان کانون حمایت‌های مالی و پشتیبانی مطرح بودند؛

- دانش‌آموزان و معلمان مدارس در توزیع اطلاعات و شب‌نامه‌ها نقش داشتند؛

- این قشر، بعد از انقلاب نیز، در صحنه‌های دفاع مقدس و حفظ انقلاب فداکاری‌های زیادی کرده‌اند.

تجربه انقلاب اسلامی و مروری بر تاریخ آموزش و پرورش نشان می‌دهد که در آن برهه زمانی، مدارس اصلی‌ترین و فرهنگی‌ترین کانون‌های پویایی جامعه بودند. درواقع مدرسه‌ها قلب محیط پیرامون خود بودند. اما همین‌طور که در طول تاریخ به جلو می‌آییم، می‌بینیم که مدارس از کارکرد اجتماعی- انقلابی خود فاصله می‌گیرند و بیشتر در نقش مؤسسه‌ای آموزشی انجام وظیفه می‌کنند.

اکنون شاید بتوان گفت، مهم‌ترین رسالت مدرسه‌های ما ایجاد فرصت یادگیری برای نسل نوین است؛ فرصت‌هایی که فقط به یادگیری موضوعات علمی و درسی محدود نمی‌شوند، بلکه انواع مهارت‌های ضروری را دربرمی‌گیرند.

دانش‌آموزان ما به مدرسی نیاز دارند که زمینه‌های اجتماعی شدن آن‌ها را مهیا سازد. در سند برنامه درسی ملی، درخصوص چشم‌انداز چنین آمده است: «زمینه تربیت نسلی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و... حقیقت‌جو

کریم‌پور

بانگماهی به اسناد تحولی تعلیم و تربیت ابزارهای تغییر



پژوه‌های چاپ‌پسته

دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا، متخصص تعلیم و تربیت
تصویرگر: میثم موسوی

سرآغاز

تعلیم و تربیت امروز ما بیش از هر چیز به زمینه‌سازی برای تعالی روح و روان دانش‌آموز و ارتقای فرهنگ و معنویت او نیازمند است. برای تحقق این مهم، بدون شک «تغییر» لازم است. تغییر در طرز تفکر نسبت به «تربیت» و طرز تلقی از آن، تغییر در سبک‌های یاددهی-یادگیری، تغییر در شیوه‌های ارزشیابی، و تغییر در نگرش‌ها و بینش‌ها نسبت به چیستی، چرایی و چگونگی فلسفه تعلیم و تربیت و رویکردها و مبانی آن.

اگر ناآگاهانه و کورکورانه عمل کنند، خود چون سدی در مقابل تغییر شکل خواهند گرفت. این مقاله در جهت افزایش آگاهی مدیران و معلمان (با عنوان رهبران آموزشی) نسبت به مفاد و محتوای برنامه‌های جدید آموزشی براساس نظام‌نامه تربیت رسمی و عمومی و تفاوت‌های بارز آن با کلیات مفاد نظام پیشین نوشته شده است. با امید به آنکه این عزیزان ضمن مرور موارد مهم مورد انتظار برای «تغییر»، خود را به توانمندی‌های لازم برای هدایت درست امر تغییر در مدارس و مربیان مجهز کنند.

موارد عمده تغییر در نظام تحول

تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

تفاوت عمده نظام جدید تعلیم و تربیت با نظام پیش‌تر از آن در چند مورد مهم قابل توجه است:

۱. جهت دادن و هدفمند کردن تربیت: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در این نظام مبنای تعیین هدف‌های آموزشی و پرورشی قرار گرفته است که خود با توجه به مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و... تبیین شده‌اند. بنابراین، تربیت جهت‌مند شده و در همه حال فلسفه اسلامی- ایرانی، پشتوانه تعیین هدف‌های آن است.

جهت‌گیری اصلی در این نظام «فطرت‌گرایی توحیدی» است و هدف اساسی آن شکوفا کردن و رشد دادن فطرت الهی یعنی ظرفیت خدادادی دانش‌آموز است. در این جهت‌گیری ترکیب فطرت با داشته‌های وراثتی و شرایط و امکانات محیطی به نحوی هدفمند، موجب می‌شود هر فرد دانش‌آموز بتواند در مراتب متعدد تعلیم و تربیتی، بنابر وضعیت و شرایط سنی و پایه و دوره تحصیلی، تحت مراقبت و هدایت قرار گیرد و به شکلی مطلوب و مناسب پیشرفت کند و رشد یابد.

واقعیت این است که ابزار هرگونه تغییر معنادار در شیوه‌های یادگیری دانش‌آموزان که لازمه تحقق شایسته و بایسته هدف‌های مستتر در سند تحول نظام تعلیم و تربیت و برنامه درسی ملی است، افکار بلند و شیوه‌های درستکار رهبران اجرایی برنامه‌های درسی یعنی مدیران مدارس و معلمان کلاس‌های درس است. جایگاه این عزیزان در هدایت کشتی تعلیم و تربیت کشور بسیار رفیع است؛ به نحوی که در اسناد مذکور آمده است: «در نظام جدید تعلیم و تربیت، معلم در قله قرار دارد و او را باید الگوی مجسم برای تأسی دانش‌آموز به او جهت دستیابی به قله‌های انسانیت، علم، ادب و اخلاق برشمرد» (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۳). بنابر همین سند، مدیر و معلم، یعنی رهبران آموزشی، در هدایت تربیتی دانش‌آموزان در جهت تغییرات روبه رشد، مطابق با صلاحیت‌ها و شایستگی‌های لازم، نقش مرجعیت دارند (همان، ص ۹).

رهبران آموزشی امروز باید از نقش سیاسی خویش بکاهند و بیشتر به نقش‌های فرهنگی و تربیتی بپردازند. آن‌ها باید بدانند که «تغییر» لازمه پیشرفت است و اولین واحد نهادی تغییر، مدرسه است. ابزار تغییر، اسناد بالادستی و مفاد و محتوای آن‌هاست و زمینه‌ساز تغییر، مدیران و معلمان شایسته‌اند که چپستی، چرایی و چگونگی ایجاد تغییر در افکار، نگرش‌ها و رفتارهای خود را، در درجه اول به‌خوبی می‌شناسند و نسبت به چپستی، چرایی و چگونگی زمینه‌سازی برای تغییر افکار، نگرش‌ها و رفتارهای دانش‌آموزانشان به حد کافی شناخت دارند. رهبران آموزشی اگر ناآگاهانه و عالمانه عمل کنند، تسهیل‌گر تغییر خواهند بود و



۲. معنویت‌گرا کردن تربیت: در این نظام، بنابر تفکر مسلط اسلامی- ایرانی، به ارزش‌های معنوی اسلامی و ملی، معیارهای اسلامی- ایرانی و قابلیت‌ها و شایستگی‌های پایه مشترک توجه خاص شده است.

در نظام پیشین، آموزه‌های علمی و فرهنگی اصل بودند و به همین سبب رشته‌های تحصیلی و موضوعات درسی در هر رشته، بر مبنای خزانه علمی و فرهنگی مورد نظر تعیین و براساس برنامه‌های درسی تهیه شده به مورد اجرا گذاشته می‌شدند. در نظام جدید، ضمن آنکه توجه به آن نوع آموزه‌ها حفظ شده است، معنویت‌گرایی در آن‌ها اصل تلقی شده است؛ بدین معنا که تکیه بر تربیت بر تکیه بر تعلیم غالب شده است، در واقع، در این نظام «تعلیم» وسیله و ابزاری برای «تربیت» تلقی شده است؛ آن هم تربیتی که معنویت‌گراست و توجه به مادیات را وسیله‌ای برای رسیدن به معنویات به‌شمار می‌آورد.

۳. توجه به ساحت‌ها یا شئون حیات آدمی: در نظام پیشین، اگرچه فرایند تربیت پدیده‌ای پیچیده و گسترده شمرده می‌شد، اما در برنامه‌های

درسی، توجه عمدتاً به مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی معطوف بود و سازمان‌دهی محتوا برحسب مراحل رشد سنی و عقلی متر بیان صورت می‌گرفت. در نظام جدید برنامه‌های درسی با توجه به ساحت‌ها یا شئون حیات آدمی تهیه و تنظیم می‌شوند، اگرچه برای طی مراتبی از حیات طبیعی، که هدف غایی تربیت است، رشد سنی و عقلی و پایه و دوره یا سطح تحصیلی آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. ساحت‌های تعیین‌شده در نظام جدید شش موردند که در مقاله بعدی معرفی خواهند شد. نکته قابل توجه این است که اگرچه ساحت‌های شش‌گانه، هر یک استقلال نسبی دارند، اما پیوسته باید در ارتباط و تعامل با یکدیگر، به‌منظور تحقق اهداف والا، توجه و پی‌گیری شوند.

مؤلفه‌های «تغییر» رفتاری دانش‌آموزان در نظام جدید

اهم مؤلفه‌های تغییر در رفتارهای دانش‌آموزان که از تغییر در دیگر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی برای تربیت ناشی می‌شود، عبارت‌اند از:

تغییر از:	تبدیل به:
بی‌تفاوتی و باری به هر جهت و منفعل بودن در یادگیری	ایفای نقش فعال و مسئولیت‌پذیری در امر یادگیری
کوشش بدون هدف و ناآگاهانه و اجباری	تلاش آگاهانه، داوطلبانه و هدفمند
پذیرش راحت‌طلبانه و روحیه دنباله‌روی و تقلید صرف	پذیرش مبتنی بر منطق و استدلال و داده‌های مستند، روحیه پرسشگری و پژوهشی
اتخاذ سکوت و تسامح در برابر نادرستی و اشتباه در هر مورد	استفاده از نقد منطقی، انتقاد سازنده مبتنی بر سند و مرجع معتبر
سطحی‌نگری و تکرار و تمرین صرف آموخته‌های نظری	ابتکار، نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی
ناآگاهی و توجه به ارزش‌های والای انسانی	متصف شدن به ارزش‌های شایسته و قابلیت‌های نیکو و دوری از بدی‌ها و بدکاری‌ها
خودبینی، خودپسندی، خودخواهی، فردگرایی و خودپیروی	احترام به دیگران، دوستی، انعطاف، گذشت و ایثار، گروه‌گرایی و وحدت‌جویی

ارزش افزوده عمر

دامنه سواد مالی تا کجاست؟

دکتر امید مهرابی
تصویرگر: مجید کاظمی



مسیر و آینده زندگی، بسیار مبارک است، زیرا در صورتی که به درستی درک شود، می تواند افراد و به ویژه نوجوانان را در انتخاب راهکار شغلی توانمند کند. چهار روش مذکور عبارتند از کارمندی، خویش فرمایی، کارفرمایی و سرمایه گذاری. از میان این چهار روش، سرمایه گذاری تفاوتی بنیادین با بقیه دارد؛ لذا به عنوان یکی از سرفصل های بعد مالی در سواد مالی مورد توجه قرار می گیرد.

کارمندی یعنی برای کسی کار کردن. در این روش، تفاوتی نمی کند که شما مدیر باشید یا کارمند ساده. کارمند کسی است که براساس دستورالعمل های تعیین شده باید وظایف محوله را انجام داده و سازمان متبوع خود را در رسیدن به اهداف آن یاری کند. کارمند باید ضمن رعایت مقررات و ضوابط حاکم بر سازمان متبوعش، به فرد دیگری پاسخگو باشد. معمولاً کارمندان در ازای دریافت حقوق، موظفاند ساعاتی را در خدمت سازمان و مدیر بالادست خود باشند. به بیان دیگر، کارمندان عمر خود را می فروشند و مبلغی را در ازای آن به عنوان درآمد دریافت می کنند. از منظر

سواد مالی نیز ابعادی دارد که باید در تدوین طرح درس و آموزش مورد توجه قرار گیرند. در شماره پیشین، به این ابعاد، با عنوان عناصر مالی و عناصر زمینه ای، اشاره شد. عناصر مالی عبارتند از هزینه کرد، پس انداز، درآمد، سرمایه گذاری، مدیریت نقدینگی، مدیریت بودجه و مدیریت بدهی. در نگاه سطحی، به نظر می رسد که این سرفصل ها ماهیت مالی دارند، اما همان گونه که در شماره پیش بیان شد، سهم دانش اقتصاد در این سرفصل ها، نسبت به بقیه توانایی ها و نگرش های مورد نیاز، غالب نیست. بعد دوم، عناصر زمینه ای، شامل شایستگی فرصت، نگاه مالی، رصد بازار و مستندسازی در پارادایم و یادگیری است. در این نوشتار - همانند دو شماره قبل و شماره بعد - سرفصل های بعد مالی این سواد معرفی می شود.

درآمد و روش های به دست آوردن آن

در یک طبقه بندی، چهار روش برای کسب درآمد وجود دارد و راه دیگری وجود ندارد. محدود بودن روش های کسب درآمد، برای تعیین

سواد مالی، مدیران عامل بزرگ‌ترین شرکت‌ها هم کارمند هستند، زیرا باید در قبال عملکرد خود و سازمان، به صاحبان سهام و سرمایه شرکت پاسخگو باشند. مهم‌ترین ویژگی کارمندی، مشخص بودن مقدار درآمد و مدت کار است.



خویش‌فرما کسی است که برای خودش کار می‌کند. عبارت معروف «رئیس خودت، نوکر خودت»، ناظر بر همین روش کسب درآمد است. پزشکانی که برای خود مطب دارند، وکلا، حسابدارانی که مشاوره می‌دهند و دفاتر مالی را تنظیم می‌کنند و مهندسان ناظر ساختمان، نمونه‌هایی از افرادی هستند که به روش خویش‌فرمایی پول درمی‌آورند. عمده‌ترین تفاوت خویش‌فرمایی با کارمندی در سطوح برابر در چهار چیز بیشتر مشهود است: ۱. مدت قرارداد کاری و در نتیجه وقت خویش‌فرمایان نسبت به کارمندان بیشتر در اختیار خودشان است؛ ۲. خویش‌فرمایان به افراد محدودتری پاسخگو هستند؛ ۳. مهارت‌های خویش‌فرمایان در موضوع کاری، نسبت به کارمندان هم‌طراز خود بیشتر است؛ ۴. درآمد خویش‌فرمایان از کارمندان هم‌طراز خود بیشتر است. کارمند و خویش‌فرما وجه اشتراک مهمی نیز دارند؛ برای درآمد بیشتر باید بیشتر کار کنند که تقریباً به معنای صرف وقت و عمر بیشتر است. مثال کارگر روزمزد و جراح متخصص را که قبلاً در شماره سوم این سلسله نوشتار (مجله آذر ماه رشد معلم، ص ۶) توضیح دادم به یاد بیاورید.

کارفرما مالک کسب و کار خود است. در این روش، کارفرما هم خود کار می‌کند و هم تعدادی کارمند یا کارگر را به استخدام درمی‌آورد. مغازه‌دارانی که علاوه بر شاگرد یا فروشنده، خود نیز در مغازه یا فروشگاهشان کار می‌کنند و نیز کارخانه‌داران، از مشهورترین نمونه‌های کارفرما به‌شمار می‌روند.

مهم‌ترین تفاوت‌های کارفرمایان با دو گروه قبلی در آن است که: ۱. کارفرمایان بیش از دو گروه قبلی کار می‌کنند؛ ۲. تنوع فعالیت‌ها و در نتیجه دانش، مهارت و نگرش‌های مورد نیاز بیشتری نسبت به دو گروه قبلی دارند؛ ۳. عمر کمتری می‌فروشند، زیرا می‌توانند وقتشان را هم‌زمان برای چند کار صرف کنند. این امر از طریق واگذاری کار به کارفرمایان و خویش‌فرمایان ممکن می‌شود.

چرا بسیاری از مردم از کار خود ناراضی‌اند؟

احتمالاً شما هم مانند من افراد زیادی را می‌شناسید که از کارشان ناراضی‌اند. کارخانه‌دار، کاسب، معلم، حسابدار، وکیل، مسافربر و ده‌ها نفر دیگر را به یاد می‌آورم که همیشه از شغل خود نالیده‌اند. حتی ما و دوستان ما هم ممکن است از کارمان ناراضی باشیم. یکی از درامدش، دیگری از ساعت کارش، آن یکی از حجم کار و دیگری از استرس و...

از منظر سواد مالی، من دو عامل دیگر را برای نارضایتی شغلی شناسایی کرده‌ام؛ نخست آنکه اغلب ما قابلیت‌های خود را نمی‌شناسیم، و دیگر آنکه با روش‌هایی که برای کسب درآمد انتخاب کرده‌ایم، آن‌طور که باید، آشنا نیستیم.

بیشتر ما از استعداد، قابلیت‌ها و علاقه‌های خودمان ناآگاهیم. مثلاً نمی‌دانیم که دوست داریم صبح‌ها بخوابیم و شب‌ها کار کنیم یا برعکس؟ آیا در فعالیت‌های پرفشار عملکرد بهتری داریم یا در فعالیت‌های یکنواخت و تکراری؟ آیا دوست داریم با آدم‌های محدودتری به‌عنوان مشتری یا مراجعه‌کننده سروکار داشته باشیم یا افراد متنوع‌تر، بیشتر و متفاوت‌تر؟ چه میزان درآمد، زندگی ما را، به نحو رضایتمندانه، تأمین خواهد کرد؟ کار انفرادی برایمان خوشایندتر است یا گروهی؟ دستور دادن را بیشتر می‌پسندیم یا دستور گرفتن را؟ سؤالاتی مانند این‌ها فراوان‌اند و صِد البته، قبل از انتخاب مسیر شغلی، باید عمیقاً و باصراحت و صداقت به آن‌ها اندیشید.

از سوی دیگر، راهبردهای روش کسب درامدمان را هم نمی‌شناسیم. یعنی نمی‌دانیم اصول،

بیشتر ما از استعداد، قابلیت‌ها و علاقه‌های خودمان ناآگاهیم. مثلاً نمی‌دانیم که دوست داریم صبح‌ها بخوابیم و شب‌ها کار کنیم یا برعکس



سرمایه گذاری

در سرمایه گذاری، باز هم باید قسمتی از عمرتان را با درآمد معاوضه کنید. ضمناً باز هم باید کار کنید. اما در عمر فروشی و کار در

این روش، نسبت به دیگر روش ها، دو تفاوت عمده وجود دارد. نخست آنکه در اینجا می توانید ارزش عمر خود را در قبال کسب درآمد بیشتر کنید. فرض کنید برای تصمیم گیری در مورد خرید سهام یک شرکت به سه روز زمان نیاز دارید. شما چه ۱۰ سهم بخرید و چه ۱۰ میلیون سهم، تفاوت زیادی در مدتی که به تحلیل وضعیت شرکت تخصیص خواهید داد، ایجاد نمی شود. در حالی که در روش کارمندی، برای اینکه درآمد خود را دو برابر کنید، اغلب باید وقت مصروف برای آن را نیز دو برابر کنید.

دوم آنکه در روش سرمایه گذاری، همه فعالیت های مورد نیاز فکری هستند و از فعالیت های بدنی و فیزیکی خبری نیست. ریاضیات پایه قوی، مذاکره، منبع یابی در زمینه اطلاعات، سحر خیزی، به گوش بودن، رصد بازار و رقبا و قابلیت هایی مانند این ها، از ضروریات موفقیت در روش سرمایه گذاری هستند. سرمایه گذاران موفق ریسک پذیرند. (تا همین جا تعداد زیادی از مردم از فهرست سرمایه گذاران خط می خورند!) تنها روی یک حوزه تمرکز نمی کنند. اطلاعات فنی زیادی دارند و به یاد گرفتن به صورت ذاتی و درونی علاقه مند هستند. جو زده نمی شوند و با حرف و حدیث بی ارزش عوام تغییر مسیر نمی دهند. از شکست نمی ترسند و زود از راهشان منصرف نمی شوند. از کم شروع می کنند و به بلندمدت بودن ثروتمندی و ثروت آفرینی معتقدند. ده ها ویژگی دیگر نیز هست که می تواند برای سرمایه گذاری موفق، ضروری به شمار آید.

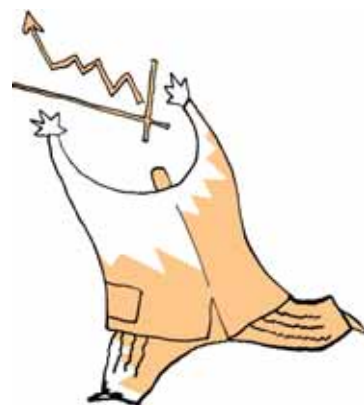
آنچه در متون پژوهشی و کاربردی توصیه شده، این است که معلمان در کلاس های درس که به موضوعات شغل و اشتغال مربوط می شود، باید بیش از تأکید و تمرکز بر مشاغل و حرفه ها، به ضرورت خودشناسی و یادگیری و درک راهبردهای روش های چهارگانه کسب درآمد تأکید کنند.

بایدها و نبایدها و روش ها در کارمندی، خویش فرمایی، کارفرمایی و حتی سرمایه گذاری چیست؟ در نتیجه همواره در ابهام به سر می بریم و به همین دلیل لذتی از کار نمی بریم. این احساس صرفاً مختص بزرگسالان

جویای کار یا در حال کار نیست. شخصاً در هفت سالگی و وقتی برای اولین بار در پارک ارم سوار ماشین برقی شدم، این احساس را تجربه کرده ام. کسی برای ما بچه ها در مورد اینکه ماشین برقی چگونه روشن می شود، راه می رود و ترمز می کند (روش کار) توضیح نداد. من خودم نمی دانستم که آیا باید با ماشینم به بقیه ماشین ها بزنم و اصطلاحاً تصادف کنم یا نه؟ کودکان و بزرگسالانی بودند که با اشتیاق تمام مانند مهاجمان انتحاری این دوران، خود را به ماشین های دیگر می کوبیدند. در مقابل عده ای نیز از تصادف پرهیز می کردند و مرتباً در قسمت های خلوت زمین بازی، می چرخیدند. اما برای من چه اتفاقی افتاد؟ تا به خودم بیایم و بفهمم که ماشین چطور راه می افتد و چه کاری درست است، وقت تمام شد و ماشین ها از کار افتادند. واکنشم چه بود؟ گریه بی امان و دلخوری از پارک ارم که این بازی دیگر چیست! شروع نشده تمام شد. آن واکنش من با واکنش بزرگسالانی که از کار خود ناراضی اند، قابل مقایسه است؛ هر دو در گلابه از شغل و لذت نبردن از زمان کار مشترک اند. اگر در مثال ماشین، ما از چند دقیقه لذت نمی بریم، در کار تقریباً از ۳۰ درصد عمر تقویمی و ۷۰ درصد عمر مؤثرمان لذت نمی بریم (بیش از آنکه در ظاهر به نظر می رسد، سهم عمده ای از عمرمان را کار تشکیل می دهد).

کاش در دنیای کار نیز قواعد بازی و موفقیت، کم، ساده و کوتاه بود. اما چنین نیست. به همین دلیل، راهبردهای کسب و کار، سریع، آسان و جامع درک نمی شوند. پاره ای افراد، وقتی ماشین آخرین مدل کارآفرین را می بینند، تصور می کنند که وی بدون زحمت و تنها با هشت ساعت کار در روز، توانسته است چنین خودرویی را بخرد.

از منظر سواد مالی، من دو عامل دیگر را برای نارضایتی شغلی شناسایی کرده ام؛ نخست آنکه اغلب ما قابلیت های خود را نمی شناسیم و دیگر آنکه با روش هایی که برای کسب درآمد انتخاب کرده ایم آشنا نیستیم





معلمی در تکتلاس

صدیقه باقری
دبیر دین و زندگی منطقه ۶ تهران
تصویرگر: میثم موسوی

اما ما معلمان چقدر آن را سرلوحهٔ روش تدریس و نیز رفتار و رابطهٔ خود با دانش‌آموزان قرار داده‌ایم؟ در مواردی از قبیل تلاش در انجام تکالیف اجباری و به‌ویژه اختیاری به‌صورت کامل و حتی بالاتر از سطح انتظار ما، کسب نمرات عالی در امتحانات شفاهی و کتبی، رعایت تمام موارد انضباطی یا آوردن عذرهای موجه یا حتی ناموجه آن‌ها در تأخیر در ورود به کلاس، کوتاهی در انجام تکالیف،

از پیشوایان ما بسیار نقل شده است که: «هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند.» همهٔ ما این سخن آموزنده و زیبارا بارها شنیده‌ایم؛ سخنی که برای تمام زمان‌هاست و تأثیری بس ژرف در تربیت صحیح و مطلوب متربیان (اعم از فرزندان و دانش‌آموز) دارد.



زمانی که ما دانش آموز بودیم، چه رفتارها و روش‌هایی را در تدریس معلم پذیرفته و مطلوب می‌دانستیم و کدام رفتارها و روش‌هایشان برایمان نامطلوب بود؟ آیا اکنون خود ما نیز آن گونه رفتار می‌کنیم؟ کدام یک از اعتراضات و اشکالات ما به‌جا و کدام یک نابجا و نادرست بود

کسب نمره پایین در آزمون‌های کتبی و شفاهی، دانش آموز از ما انتظار چه رفتارهایی را دارد؟ هنگام مواجهه با چنین بی‌نظمی‌ها و بی‌انضباطی‌هایی، بهترین و مؤثرترین شیوه برخورد چیست؟

آیا در این گونه موارد خودمان را جای دانش‌آموزان گذاشته‌ایم تا بدانیم چه واکنشی مفید و پسندیده است و چه برخوردی ناپسند و نامطلوب؟ چه واکنشی، بی‌آنکه آسیب روانی و عاطفی به دانش‌آموز وارد کند، در جبران کوتاهی و تقویت انگیزه و پیشرفت او تأثیر مطلوب دارد؟ چقدر هنگام تعیین تکلیف خود را جای دانش‌آموزان گذاشته‌ایم؟

بیاییم یک بار از زاویه‌ای دیگر به این سخن بنگریم و آن را در عمل نشان دهیم.

زمانی که ما دانش‌آموز بودیم، چه رفتارها و روش‌هایی را در تدریس معلم پذیرفته و مطلوب می‌دانستیم و کدام رفتارها و روش‌هایشان برایمان نامطلوب بود؟ آیا اکنون خود ما نیز آن گونه رفتار می‌کنیم؟ کدام یک از اعتراضات و اشکالات ما بجا و به حق و کدام یک نابجا و نادرست بود؟ آیا هنوز به‌خاطرمان مانده است که انتظار داشتیم معلم با ما چگونه برخورد کند؟ چه اشکالاتی در روش تدریس معلم یا آزمون‌های شفاهی و کتبی درس داشتیم؟ البته با تأملی عمیق و دقیق در خاطرات گذشته می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

برای کسب آگاهی از خواسته‌ها و انتظارات دانش‌آموزان و نیز بازنگری در نحوه مدیریت و اداره کلاس (از لحاظ آموزشی و تربیتی) و شناخت نقاط قوت و ضعف خود، نظرسنجی یا نیازسنجی از دانش‌آموزان در ابتدای سال تحصیلی یا پایان نیم‌سال اول روش مناسبی است. قطعاً بسیاری از همکاران و معلمان محترم بارها از این شیوه‌ها بهره برده‌اند.

اما در بسیاری موارد مشاهده شده است، دانش‌آموزان در نظرسنجی پاسخ کامل و واضحی به سؤالات نمی‌دهند. دلایل این موضوع می‌تواند چنین باشد:

ترس دانش‌آموز از اینکه معلم صاحب خط را بشناسد و در رفتار بعدی خود با دانش‌آموز، نارضایتی خود را از نقد و نظر او نشان دهد. یا بی‌حوصله و بی‌انگیزه بودن برای دادن پاسخ روشن و کامل و مطلوب به سؤالات، با این توجیه که: «معلم هیچ‌وقت این نظرات را نمی‌خواند. پس خودمان را بیهوده خسته نکنیم» یا «بقیه بچه‌ها، حرف‌هایی را که لازم است می‌گویند». بنابراین، به نوشتن جملاتی کوتاه در مورد سطح کیفی کلاس یا رضایت خود از آن بسنده می‌کنند.

پس چاره و راه‌حل چیست؟ با تأسی به آیات قرآن و احادیث که بر خلاقیت و تجربه و استفاده از روش‌های متعدد و متنوع تأکید می‌کنند، بهتر است راهی دیگر را نیز بیازماییم و تجربه کنیم. راه نو و پیشنهادی ما، جابه‌جایی معلم و شاگرد است. آن‌ها معلم کلاس می‌شوند و ما دانش‌آموز آن‌ها. به این صورت که می‌توانیم از بین دانش‌آموزان داوطلب معلمی، با نظرخواهی از بقیه، یک یا دو نفر را انتخاب کنیم و بعد از تعیین تاریخ و هماهنگی با این معلمان تازه‌کار، در موعد مقرر، یک زنگ کامل مسئولیت اداره کلاس را به آن‌ها بسپاریم و خود ما هم‌نشین یکی از دانش‌آموزان ته کلاس شویم.

اگر دو نفر را انتخاب کرده‌ایم، می‌توانیم به همکاران جدید اختیار دهیم که یا دو نفری در کل، ۶۰ دقیقه کلاس را به‌طور مشترک و با هم اداره کنند یا هر کدام به تنهایی ۳۰ دقیقه معلم کلاس شود.

فایده‌های این روش عبارت‌اند از:

- وقتی دانش‌آموز در موقعیت معلم قرار می‌گیرد، معمولاً انتظاری را که از معلم دارد، در گفتار و رفتار خود نشان می‌دهد.

- وقتی معلم در موقعیت دانش‌آموز در کلاس درس حضور دارد، متوجه می‌شود در چه مواردی و چه وقت کلاس برای دانش‌آموزان کسل‌کننده و ملال‌آور می‌شود.

- بهانه و وسیله‌ای دیگر برای ایجاد یک زنگ بانشاط برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود.

- معلم، در مقام دانش‌آموزی که به کار معلم جدید نظاره می‌کند، نقاط قوت و ضعف کار خود



را بهتر درک می‌کند و متوجه می‌شود که کدام قسمت از فعالیت او در کلاس را دانش‌آموزان می‌پسندند و کدام قسمت را نه. - احساس مسئولیت دانش‌آموزان و اعتماد به نفس و خودباوری آن‌ها تقویت می‌شود. - زمینه‌ای برای مقایسه این کلاس‌ها با کلاسی که معلم اداره می‌کند ایجاد می‌شود.

- فرصتی ایجاد می‌شود تا دانش‌آموزان زحمات و صبوری معلمشان را قدر بدانند؛ به‌ویژه زمانی که دانش‌آموزان مسئله‌ساز، سکان اداره کلاس را به عهده بگیرند. هنگام اعتراض به بی‌انضباطی هم‌کلاسی‌ها، فرصتی مهیا می‌شود تا آن‌ها در عمل بر ناپسندی رفتار خود، وقتی که در جای خود و در مقام دانش‌آموز هستند، و نیز به صبوری و سعه صدر معلمشان واقف شوند.

البته به‌عنوان معلمی که هر سال این روش را در کلاس‌های درس خود اجرا کرده است، اذعان می‌کنم که قطعاً این تجربه خالی از حاشیه نخواهد بود. به این صورت که:

- ممکن است گاهی برخی از معلمان امروز و شاگردان دیروز، از این فرصت سوءاستفاده کنند و برخوردهای نامناسبی با «معلم دیروز و شاگرد امروز» داشته باشند؛ برخی دانش‌آموزان چنین کلاسی را جدی نگیرند؛ با این توجیه که: معلم آن ساعت، شاگردانی مثل خودشان هستند. پس می‌توانند شلوغ کنند. یا با معلم جدید برخورد محترمانه و در شأن معلم نکنند. مثلاً آن‌ها را نه با نام خانوادگی و پیشوند «خانم» یا «آقا»، بلکه با نامشان، صدا کنند. نسبت به اعتراضات و سؤالات معلم واقعی واکنش منفی و ناپسند نشان بدهند. از زیر بار انجام تکالیف محوله توسط این شاگردان معلم شده شانه خالی کنند. برای این معلمان تعیین تکلیف کنند. به کار دیگری غیر از گوش کردن به درس بپردازند، مثلاً کتاب درس دیگری را باز کنند و تکلیف درس دیگر را انجام دهند. دو نفری با هم بازی کنند و... قابل ذکر است، گاهی این دانش‌آموزان معلم، با نرمی و ملایمت افراطی خود، زمینه‌های سوءاستفاده را فراهم می‌کنند، یا

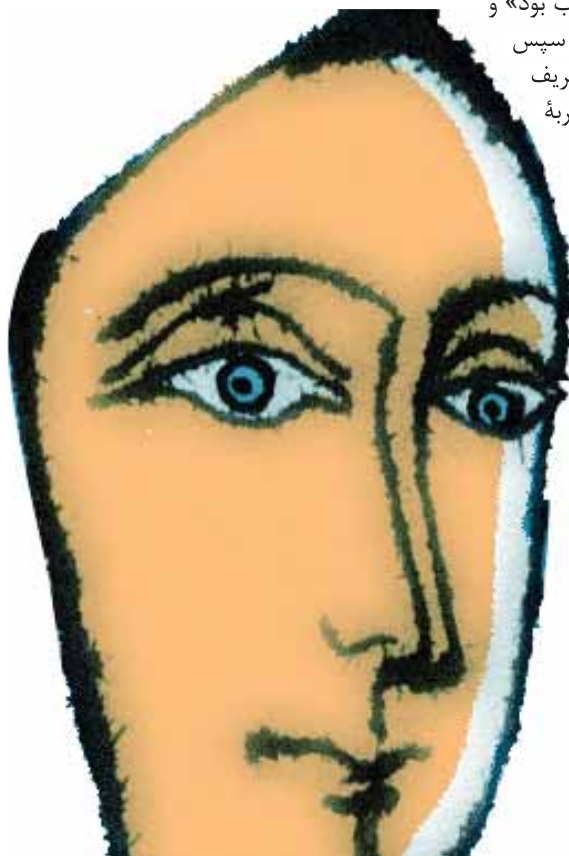
حتی برعکس، با رفتارهای سختگیرانه و خشن، سبب ایجاد فضایی سنگین بر کلاس و به‌دنبال آن بلند شدن صدای اعتراض دانش‌آموزان می‌شوند. البته در این موارد می‌توان از قبل چاره‌اندیشی و از بروز چنین مشکلاتی پیشگیری کرد؛ مثلاً این‌گونه که:

از جلسه قبل یا در همان جلسه، ولی قبل از ورود به کلاس، به معلم یا معلمان جدید نکات لازم درباره نحوه مدیریت کلاس و رفتار با دانش‌آموزان را تذکر دهیم و نیز توصیه کنیم کلاس را جدی بگیرند. به دانش‌آموزان دیگر هم متذکر شویم که «قضاوت این معلمان را ما هم می‌پذیریم.»

همچنین بهتر است در اثنای کلاس، گاهی بایستیم، کل کلاس را از نظر بگذرانیم و با مکت روی برخی دانش‌آموزان سوءاستفاده‌کننده، باعث توجه و تغییر رویه آن‌ها شویم؛ هرچند در نهایت مشکلاتی هرچند جزئی و محدود و موقت پیش می‌آید.

در پایان کلاس هم خوب است ابتدا برحسب نحوه کلاس‌داری آن‌ها، با بیان جملاتی مانند: «آفرین! بسیار عالی بود» و «خوب بود» و تشکر، کلاس را تحویل بگیریم. سپس از خلاقیت‌ها و ابتکارات آن‌ها تعریف و نقاط قوت و ضعفشان در تجربه معلمی را یادآوری کنیم.

شاید بهتر باشد هر معلمی این تجربه را ولو برای یک بار امتحان کند. گرچه سخت است، ولی ارزش دارد. زیرا در کنار این سختی‌ها، آسانی‌های فراوانی است، چون غنی و کامل‌ترین کتاب زندگی انسان‌ها - قرآن - فرموده است: «فَأَنْ مَعَ الْعَسْرِ يَسِرْ» (آن مع العسر يسرا) (انشریح) آیات ۵ و ۶: همانا پس از سختی آسایشی است. پس از محنت و رنج آرامشی است.





دکتر لیلا سلیقه‌دار
تصویرگر: میثم موسوی

شایستگی‌ها که به تربیت همه دانش‌آموزان مربوط می‌شود و اساس و پایه تربیت متصور در برنامه درسی ملی را شامل می‌گردد، بیان شده است. حال برنامه‌ریزان باید ضمن توجه به این فهرست و دیگر منابع لازم، اهدافی را تعریف کنند که بتوانند نمای روشن‌تری در هر زمینه و حوزه یادگیری و تربیت به دست دهد. در ادامه به توضیح این مقوله در هدف‌های برنامه درسی ملی می‌پردازیم:

و موجب می‌شوند بیراهه‌ها از راه‌های اصلی شناسایی شوند. بر همین اساس، شیوه‌هایی برای خرد کردن و عملیاتی کردن اهداف غایی به آنچه که در کلاس درس روی می‌دهد و مورد انتظار است وجود دارد. این کار که مطابق با الگوی معینی انجام می‌شود. در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز پس از تعیین اهداف غایی که در شماره گذشته بدان‌ها اشاره شد، فهرستی از

هنگام سخن گفتن از اهداف در برنامه درسی، غالباً به یاد عباراتی کلی می‌افتیم که نمی‌توانند نشانه‌ای از آنچه در عمل از نظام آموزشی انتظار می‌رود و امکان مشاهده و اندازه‌گیری آن‌ها در کلاس درس وجود دارد به ما بدهند. این در حالی است که در هر برنامه درسی، اهداف، به‌ویژه اهداف کلی و غایی، مانند نقشه راهی هستند که چارچوب‌ها و ساختار کلی مقصد را دربردارند

**در هر برنامه
درسی، اهداف،
به ویژه اهداف
کلی و غایی،
مانند نقشه
راهی هستند
که چارچوب‌ها
و ساختار کلی
مقصد را
در بر دارند و
موجب می‌شوند
بیراهه‌ها از
راه‌های اصلی
شناسایی شوند**

ویژه خود هستند که همین امر هم موجب می‌شود محتوای آموزشی، مواد آموزشی و شیوه‌های یاددهی یادگیری و نیز ارزشیابی، به فراخور هر دوره متفاوت باشد. همین شرایط با توجه به حوزه‌های تربیت و یادگیری نیز صادق است. به سخنی دیگر، شرایط و اقتضای یاددهی - یادگیری در حوزه ریاضیات با حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی متفاوت است و همین تفاوت موجب می‌شود برنامه‌ریزان برای هر یک از حوزه‌ها، شرایط و اقتضات خاص آن را لحاظ کنند. اما در شایستگی‌های پایه، مقوله تازه ورود یافته صلاحیت‌های کلیدی، نقش وجه اشتراک و پیوند بین حوزه‌های یادگیری و دوره‌های تحصیلی را ایفا می‌کند که به نوبه خود موجب ایجاد دیدگاهی نوین به هدف‌نویسی و هدف‌گذاری می‌شود.

ارزشیابی و نیز مواد آموزشی مورد نیاز رهنمود و ساختاری تعیین و ارائه کنند. در کادر زیر به این منابع اشاره شده است.

◀ شایستگی‌های پایه
◀ حوزه‌های خاص تربیت و یادگیری
◀ اهداف دوره‌های تحصیلی
◀ اهداف مشترک و مرتبط بین حوزه‌های تربیت و یادگیری.

منابع هدف‌گذاری

در منابع اشاره شده فوق، مهم‌ترین منبع که موجب ایجاد شرایط همسوسازی بیشتر بین رشته‌ها و حوزه‌های تربیت و یادگیری می‌شود، «شایستگی‌های پایه» است. به عبارتی دیگر، در هر نگاه به برنامه درسی، دوره‌های تحصیلی مانند دوره ابتدایی یا دوره متوسطه، به لحاظ ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان دارای اقتضات و خصوصیات

سرچشمه هدف‌ها در برنامه درسی ملی

تا چندی پیش، برای شناسایی و بیان هدف‌های آموزشی، از هدف کلی، هدف‌های جزئی و نیز اهداف رفتاری استفاده می‌کردیم و طراحی آموزشی بر همین اصل نگاشته و تدوین می‌شد. در حال حاضر، با شیوه دیگری از هدف‌نویسی روبه‌رو هستیم که هر چند تمام آنچه را در گذشته عمل می‌کردیم نهی نمی‌کند، اما ما را بر آن می‌دارد تا نگاهی جامع‌تر به هدف داشته باشیم، به گونه‌ای که در اثر آن، ارتباط و تعامل و تأثیرگذاری تربیت در تمامی درس‌ها با یکدیگر بیشتر شود. ریشه اصلی در پیدایش چنین شرایطی، به برنامه درسی ملی مربوط می‌شود. در جریان هدف‌گذاری در برنامه درسی، ما با منابع و سرچشمه‌های اثرگذار متعددی مواجهیم که هر یک می‌توانند در نهایت برای تعیین محتوای آموزشی، شیوه‌های ارائه درس، شیوه

پایان انحصار درسی

امروزه مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی از جمله مسائل مورد توجه در مجامع تخصصی آموزش و پرورش در جهان است که می‌کوشد از این طریق به تربیت افرادی اقدام کند که بتوانند با شرایط امروز زندگی کنند و در حل مسائل خود موفق باشند. بر این اساس، در برنامه درسی آموزش و پرورش اغلب کشورها در جهان، مقوله‌ای با عنوان صلاحیت‌های کلیدی یا شایستگی‌های پایه خودنمایی می‌کند که جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. دلیل این اهمیت و توجه به شایستگی‌ها و صلاحیت‌های کلیدی، ثابت نبودن شرایط زندگی به دلیل توسعه روزافزون فناوری‌های نوین و ارتباطات اجتماعی، اقتصاد و نابرابری‌های ناشی از آن و نیز بی‌ثباتی‌های زیست‌محیطی است که هر کدام می‌توانند چالش‌ها و تهدیدهایی بر سر راه زندگی بشر باشند. با توجه به این نکته، انسان به مجموعه شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی نیاز دارد تا بتواند در مقابل مسائل پیش‌رو ایستادگی کند و به سازندگی دست بزند. چنین دیدگاهی نمی‌تواند به اهداف آموزش و پرورش به مثابه زندان‌هایی جدا از هم و محصور در یک رشته درسی بنگرد. جداسازی رشته‌های علمی و آموزشی از یکدیگر تنها در شرایطی امکان دارد که دانش‌آموز تنها به واسطه استناد و اتکا به آن رشته خاص، بتواند مسائل و چالش‌های پیرامون خود را حل و فصل کند. در این نگاه، توجه به یک دوره از زندگی و نیازهای فرد محدود نمی‌شود، بلکه گستره زندگی او، یعنی سراسر عمر انسان مدنظر است و اینکه او در زندگی به

چه مهارت‌ها و صلاحیت‌هایی نیازمند است تا بتواند پاسخگوی چالش‌های اجتماعی و سیاسی، اجتماعی و عمومی خود باشد. اما از آنجا که تربیت رسمی و عمومی در دوران تحصیل در مدرسه، مناسب‌ترین شرایط را به لحاظ زمان و دوره زندگی همه افراد در اختیار می‌گذارد تا تربیت و تعلیم به شیوه‌ای خاص اتفاق بیفتد، به همین سبب طول دوران تحصیل برای حصول شایستگی‌های پایه مورد نظر قرار می‌گیرد.

یک تمرین ذهنی

اگر از شما پرسیده شود کدام سه مهارت و صلاحیت پایه است که هرگز نمی‌خواهید از فهرست شایستگی‌های پایه در طول تحصیل دانش‌آموزان خارج شود، یا به عبارتی دیگر، چه شایستگی‌هایی است که زندگی انسان را موفق می‌سازد، شما به چه مواردی اشاره می‌کنید؟

آیا می‌دانید؟

آیا می‌دانید این فهرست مختصری که شما از صلاحیت‌ها تعیین کرده‌اید، می‌تواند رویکردتان به آموزش و پرورش را بیان کند؟ آیا می‌دانید فهرست صلاحیت‌های پایه شما تنها با کسانی مشترک است که در نوع عملکرد و موفقیت در فرایند یاددهی یادگیری هم‌راستا و هم‌سطح شما هستند؟ آیا می‌دانید تجربه‌های عملی انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند که بین هر صد نفر معلم، تنها در هشت مورد از شایستگی‌های ارائه شده، بیشترین اتفاق نظر وجود دارد و شاید همین موضوع، مبنا و استناد خوبی بر لزوم توجه و تکیه بر یک برنامه درسی ملی باشد.

تاروپودی از شایستگی

پس از شناسایی و تبیین شایستگی‌های پایه که مورد انتظار دریافت آن در دوران تحصیل مطابق برنامه درسی ملی است، نوبت گروه‌های متخصصان درس‌ها و رشته‌ها و برنامه‌ریزان است تا بررسی و توجه به منابع یاد شده به عنوان سرچشمه‌های هدف‌گذاری، اهداف رشته‌های درسی و به تبع آن، محتوای آموزشی، شیوه‌های یاددهی یادگیری و ارزشیابی، و نیز تجهیزات و امکانات آموزشی مورد نیاز متناسب با اهداف را پیش‌بینی و پیشنهاد کنند. بنابراین، در پس محتوای آموزشی مندرج در کتاب درسی و پیشنهادات مربوط به شیوه‌های یاددهی یادگیری و ارزشیابی که در دسترس معلم قرار می‌گیرد، پازل گسترده‌ای قرار دارد که تاروپود آن را اهداف برنامه درسی ملی تشکیل می‌دهد. در این نقشه راه، مسیر هدایت‌کننده مشترک در تمامی حوزه‌های یادگیری و دوره‌های تحصیلی، طبقاتی از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های پایه است که می‌کوشد توانایی‌های لازم برای زندگی موفق را تقویت کند و پرورش دهد.

مطالعه

شایستگی‌های

پایه و

صلاحیت‌های

کلیدی توسط

معلم‌ان و

تلاش برای

جست‌وجوی

معیار هر یک از

شایستگی‌ها

در محتوای

آموزشی، به

کیفیت یادگیری

و بهبود اجرای

برنامه درسی

کمک می‌کند

و اشتراک

و وحدت در

یادگیری را

موجب می‌شود



**در پس محتوای
آموزشی مندرج
در کتاب درسی
و پیشنهادات
مربوط به
شیوه‌های
یاددهی یادگیری
و ارزشیابی که
در دسترس معلم
قرار می‌گیرد،
پازل گسترده‌ای
قرار دارد که
تاروپود آن را
اهداف برنامه
درسی ملی
تشکیل می‌دهد**

رشته درسی، به دانش‌آموزان منتقل می‌شود، به این ترتیب، در واقع برنامه درسی در عمل به شکست در مسیر تحقق اهداف خود منجر خواهد شد. بر این اساس، مطالعه شایستگی‌های پایه و صلاحیت‌های کلیدی توسط معلمان و تلاش برای جست‌وجوی معیار هر یک از شایستگی‌ها در محتوای آموزشی، به کیفیت یادگیری و بهبود اجرای برنامه درسی کمک می‌کند و اشتراک و وحدت در یادگیری را موجب می‌شود.

معارف اسلامی هدفی بر این پایه قرار داده شده باشد، تلاش معلم علاوه بر دریافت اهداف ضمنی و علمی مربوط به هر محتوا توسط دانش‌آموز، به فعالیت برای هدایت دانش‌آموز به ارزش‌گذاری به کار و معاش حلال نیز سوق می‌یابد. بدیهی است، این امر زمانی ممکن است که معلمان با شایستگی‌ها و جایگاه آن در برنامه درسی آشنا باشند. در غیر این صورت، محتوای آموزشی هر درس، بدون اشتراکات روشن و تنها به‌منظور ارائه مفاهیم آموزشی

پیدا کردن ردپای هر یک از شایستگی‌های پایه در کتاب درسی توسط معلم، نگاهی معکوس به برنامه‌ریزی درسی است که می‌تواند روند طراحی برنامه درسی را از گام نهایی (تولید محتوای آموزشی، با تکیه بر شیوه یاددهی یادگیری مناسب آن) به‌سوی گام‌های اولتر، مانند تبیین یک شایستگی پایه برای معلم، نمایان سازد و به او کمک کند تا بتواند در فعالیت‌های آموزشی خود، به اثرات هر اقدام، با توجه به هدف نهایی و غایی، توجه داشته باشد. برای نمونه، در محتوای کتاب‌های درسی مربوط به حوزه‌های حکمت و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و هنر، سلامت و تربیت‌بدنی، کار و فناوری، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و نیز حوزه آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده، به‌عنوان هفت حوزه تربیت و یادگیری در برنامه درسی ملی، شایستگی با عنوان زیر به‌صورت مشترک وجود دارد:

«ارزش‌قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر»

حال زمانی که معلم به تدریس درس فارسی با مضمونی مرتبط با شایستگی فوق می‌پردازد یا در درس‌های فناوری، مطالعات اجتماعی یا

دغدغه‌های

سعیدہ باقری



سال اول دبیرستان بودم. از همان ابتدا می‌دانستم که رشته تجربی را انتخاب نخواهم کرد. بنابراین، درس زیست‌شناسی برایم درس اصلی به حساب نمی‌آمد. با این حال، موضوعات کتاب زیست‌شناسی که بخش عمده آن به محیط زیست مربوط بود، برای همیشه به یکی از دغدغه‌های زندگی من تبدیل شد! در آن سال تحصیلی، معلم زیست‌شناسی تازه‌واردی به مدرسه ما آمد که بر نگرش من نسبت به موضوعات درسی متفاوت، تأثیر ماندگاری گذاشت. خانم رهبر دیدگاه‌های تازه‌ای نسبت به مسائل داشت و راجع به آن‌ها در کلاس صحبت می‌کرد. حتماً می‌دانست که برخی از ما به رشته ریاضی می‌رویم و به همین دلیل این درس برای ما اهمیت زیادی ندارد، و بعداً هم فرصت دیگری برای مواجهه با مسائل مربوط به آن نخواهیم داشت. آن‌ها هم که رشته تجربی را انتخاب خواهند کرد، بعداً فرصت کافی برای پرداختن مفصل به تمام موضوعات این درس را خواهند داشت! بنابراین، محور کار او بحث‌های گوناگون و متفرقه راجع به موضوعات مطرح در کتاب درسی بود.

یکی از مسائل مهمی که خانم رهبر در آن سال (یعنی دقیقاً ۲۰ سال پیش) مطرح کرد، موضوع کمبود آب سالم و آلوده شدن آب‌های قابل استفاده (که بسیار هم محدود هستند) به دست انسان‌ها بود. از این‌رو به پیشنهاد وی، یک گروه برای حمایت از محیط زیست و ترویج استفاده صحیح از آب تشکیل دادیم. حتی یادم می‌آید برای طراحی آرم گروه، من با دوستانم هم‌فکری کردم. این نوع فعالیت‌ها، ضمن اینکه مهارت‌های متنوعی را در بین دانش‌آموزان رواج داد، در ایجاد نگرش‌های مثبت و صحیح نسبت به مسائل گوناگون نیز بسیار مؤثر بود.

سال تحصیلی ۷۴-۷۳ گذشت و ما در کلاس‌ها و رشته‌های متفاوت پراکنده شدیم. سال‌های بعد هم به سراغ گلاویز شدن با غول کنکور رفتیم. اما آنچه از کلاس خانم رهبر برایم باقی ماند، دغدغه‌ای بود که هنوز هم، حتی اگر وقت و امکانات محدود و

شرایط سخت باعث نادیده گرفتنش شود، از ذهنم هرگز خارج نمی‌شود.

در این روزها که درباره مشکل کمبود آب بسیار گفت‌وگو می‌شود، تا حد توان خودم می‌کوشم روش‌های استفاده بهینه از آب را به دیگران آموزش دهم یا به آنان گوشزد کنم؛ اما دائم در این فکرم که چطور می‌شود برای همه‌گیر شدن این دغدغه تلاش کرد؟ هرچقدر هم درباره راه‌های صحیح مصرف بهینه آب فقط گفت‌وگو کنیم، باز هم تا وقتی که افراد واقعاً دغدغه بی‌آبی نداشته باشند، تلاشی در این زمینه نخواهند کرد. یکی از دلایل این همه توجیه و مقصر دانستن دیگران هم همین است. بیشتر ما تا وقتی شیر آب را باز می‌کنیم و از آن استفاده می‌کنیم، هرچند به وجود مشکل واقف باشیم، فکر می‌کنیم این مشکل ما نیست. وقتی هم که آب قطع شود، باز هم مشکل ما نیست و مسئولان باید پاسخگو باشند!

وقتی با دغدغه سردبیر مجله برای نوشتن مطالبی در این زمینه مواجه شدم، خیلی فکر کردم که از کجا شروع کنم، تا اینکه یاد خانم رهبر افتادم! به نظر رسید خوب است معلمان بدانند تا چه حد می‌توانند در نگرش دانش‌آموزان خود مؤثر باشند و قدر فرصتی را که در اختیار دارند بدانند. حتی به این فکر افتادم که خودم هم از فرصت تدریس استفاده کنم و دانشجویان را تشویق کنم گروهی تشکیل بدهند و در زمینه ترویج فرهنگ استفاده بهینه از آب تلاش کنند.

حتماً بسیاری از معلمان که خود دغدغه کمبود آب را دارند، به وقت مقتضی از فرصت استفاده می‌کنند و توجه دانش‌آموزان را به آن جلب می‌کنند. ما نیز در این چند شماره باقی‌مانده، به خواست خدا و امید به لطف او، تلاش خواهیم کرد انواع موقعیت‌هایی را که ممکن است معلم بتواند از آن‌ها برای مطرح کردن مشکل کم‌آبی و لزوم توجه به مصرف صحیح آب استفاده کند، معرفی کنیم. به این امید که تعدادی از آینده‌سازان این کشور نسبت به استفاده به‌جا و به اندازه از منابع طبیعی کشور احساس مسئولیت پیدا کنند.

بیشتر ما تا
وقتی شیر آب را
باز می‌کنیم و از آن
استفاده می‌کنیم،
هرچند به وجود
مشکل کمبود آب
واقف باشیم،
فکر می‌کنیم این
مشکل ما نیست.
وقتی هم که آب
قطع شود، باز هم
مشکل ما نیست
و مسئولان باید
پاسخگو باشند



ریحانه ایزدی

غایت اصلی تشکیل هویت در نوجوانی، پرورش داشتن درک یا احساسی روشن از خود است. این کار با «امتحان کردن» نقش‌های متعدد در موقعیت‌های گوناگون مثل خانه، مدرسه و دیگر شرایط اجتماعی انجام می‌شود. در این فرایند، نوجوان ارزش‌ها، اخلاقیات، معنویت و هویت قومی، جنسیت و تمایلات جنسی خود را کشف می‌کند.

هویت به‌دست آمده در دوران نوجوانی به‌عنوان پایه‌ای برای اهداف و انتظارات بزرگ‌سالی عمل می‌کند. وقتی افراد به ابتدای بزرگ‌سالی می‌رسند، از فهم دوران نوجوانی‌شان درباره‌ی اینکه چه کسی هستند استفاده می‌کنند تا ساختاری برای سرتاسر زندگی‌شان ایجاد کنند که بتواند به‌عنوان رابطی بین هویت رشدیافته در نوجوانی و خود بزرگ‌سالی آن‌ها عمل کند.

در خلال سال‌های نوجوانی که دانش‌آموزان شروع به فهمیدن و شکل دادن هویت خود می‌کنند، نقش هدایت‌کنندگی والدین و مربیان بسیار

عضوی مسئولیت‌پذیر و قابل اعتماد پذیرفته می‌شوند.

اگرچه رشد هویت در سرتاسر زندگی فرد جاری است، اما نوجوانی اولین زمانی است که فرد شروع به اندیشیدن در این باره می‌کند که هویت او چگونه ممکن است بر زندگی‌اش تأثیر بگذارد. در دوره‌ی نوجوانی، فرد درباره‌ی هویت‌های در حال تغییر خود بسیار خودآگاه‌تر از هر دوره‌ی دیگری از زندگی است. طبق نظر **اریکسون**^۱، نوجوانان تلاش می‌کنند چگونگی ارتباط خود با جهان را بفهمند. وظیفه‌ی تحولی خاص نوجوانی، تعیین، ارزیابی و انتخاب ارزش‌ها و نقش‌ها برای زندگی بزرگ‌سالی است.

با توجه به چنین مسئولیت جدی و بالقوه‌پراشویی، طبیعی است که رفتار نوجوانان در این دوره بی‌قاعده و حتی متمرّدانه به‌نظر برسد، چرا که آن‌ها فعالانه احتمالاتی را برای تعریف خود بررسی می‌کنند. ممکن است این بررسی نیازمند زیر سؤال بردن یا رد کردن باورهایی باشد که آن‌ها قبلاً پذیرفته بودند.

شکل‌گیری هویت، جدی‌ترین ویژگی دوره‌ی نوجوانی است. بدون داشتن هویت درست، فرد در بزرگ‌سالی با مشکلات فراوان روبه‌رو خواهد شد. شخصی که هویتش به‌خوبی شکل گرفته باشد، با خودش در صلح و صفاست و حتی اگر در نقش‌های متنوعی ظاهر شود، باز هم یکپارچگی و انسجام شخصیت را در خود احساس می‌کند. چنین فردی در رابطه با اشخاص، معمولاً واکنش‌های مشابهی دریافت می‌کند. به‌طور کلی، افرادی که هویتشان به‌خوبی شکل گرفته است:

- با همین هویت که دارند راحت‌اند و سعی نمی‌کنند با هویت شخص دیگری زندگی کنند.

- نقاط ضعف و قوت، محدودیت‌ها، استعدادها و تمایلاتشان را شناخته‌اند و می‌پذیرند.

- ویژگی‌هایی را از دیگران و نیز از محیط‌هایی که برای رشد شخصی‌شان مفید است، شناسایی می‌کنند و آن‌ها را برمی‌گزینند و در خود می‌پذیرند.

- از سوی یک جمع بزرگ، به‌عنوان

اهمیت دارد. لازم است آن‌ها راه‌هایی بیابند تا به نوجوانان کمک کنند که این دوره را به‌درستی پشت سر بگذارند. والدین، مدارس و جوامعی که اکتشاف را تشویق می‌کنند، دستیابی به «هویت کسب‌شده» را نیز تسهیل می‌کنند. هویت کسب‌شده یعنی هویتی قوی که پس از گذراندن یک دوره جست‌وجوی فعالانه به‌دست می‌آید، از آن جهت مهم است که با عزت‌نفس بالاتر، تفکر انتقادی افزایش یافته و استدلال اخلاقی پیشرفته ارتباط دارد.

اگرچه مراحل ابتدایی‌تر تشکیل هویت شدیداً بر مشارکت والدین تأکید دارند، اما همین‌طور که کودکان به‌سمت نوجوانی می‌روند، حمایت دوستان و هم‌سالان جایگزین حمایت والدین می‌شود و نوجوانان برای جلب حمایت بیشتر، بر دوستان تکیه می‌کنند تا پدر و مادرشان. شاید دلیل اصلی چنین چرخشی این باشد که روابط والد‌فرزندی در دوران نوجوانی بیشتر تعارض‌آمیز است تا حمایت‌کننده و این تعارض‌ها هم غالباً حاصل کمبود مهارت‌های مؤثر ارتباطی و فرزندپروری است.

متأسفانه اوضاع در مدرسه نیز خیلی بهتر از خانه نیست. برخی از معلمان دوره متوسطه در مقایسه با معلمان دبستان نقش حمایت‌کنندگی کمتری برای دانش‌آموزان خود ایفا می‌کنند و گاهی اصلاً حمایت‌کننده نیستند. محیط مدرسه نیز دقیقاً در زمانی که نوجوانان به دنبال خودمختاری بیشتری هستند، سخت‌گیرانه‌تر می‌شود. در زمانی که دانش‌آموزان در حال به چالش کشیدن باورها، ارزش‌ها و هویتشان هستند، مهم است در نظر داشته باشیم که مدارس و معلمان چگونه می‌توانند نقش حمایتی داشته باشند. در ادامه مقاله، با ارائه

پیشنهادهایی به معلمان و مدارس، می‌کوشیم آن‌ها را در اجرای این نقش مهم و حیاتی یاری کنیم. راه‌هایی وجود دارد که معلمان بتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا آن‌ها به‌طور مؤثری «احساس خود از خویشتن»^۲ را شکل دهند. اما برای این کار، بیش از هر چیز لازم است معلمان با مراحل اولیه شکل‌گیری هویت در کودکی آشنا باشند؛ به عبارت دیگر آن‌ها باید بدانند نوجوانی که با او روبه‌رو هستند، تا امروز چه مسیری را طی کرده است.

چهار مرحله نخستین تشکیل هویت^۳، که کودک تا رسیدن به نوجوانی از آن‌ها عبور می‌کند، عبارت است از:

۱. اعتماد
۲. خودمختاری
۳. ابتکار
۴. سازندگی

اعتماد به این معناست که کودک اطمینان دارد نیازهایش از طرف افراد مهم زندگی‌اش پاسخ‌های پیش‌بینی‌شدنی و ارضاکنده دریافت خواهد کرد.

خودمختاری یعنی اینکه کودک حسی از استقلال، قدرت درونی و توانایی گرفتن تصمیمات مناسب برای خود را نشان می‌دهد. ابتکار شامل حسی از انگیزش درونی و توانایی شروع کردن نقشه‌ها و به انجام رساندن وظایف است.

سازندگی بیانگر این است که کودک پیگیر کارهایش است، برای رسیدن به موفقیت کوشاست و رویکردی نظام‌دار برای انجام وظایف و مسئولیت‌هایش دارد. حس هویت کودک که او را در زندگی بزرگ‌سالانه هدایت خواهد کرد، به شکل‌گیری درست این چهار مرحله بستگی دارد. در زیر شرایطی

که برای رشد هر یک از این مراحل لازم است به‌طور خلاصه شرح داده می‌شود. شرایط لازم برای رشد اعتماد شامل اعمالی است که به‌طور روزانه تکرار می‌شوند و دربرگیرنده احتیاطات ایمنی، ثبات، استمرار، پیش‌بینی‌پذیری و قاعده‌مندی هستند.

رشد خودمختاری وابسته به اعمالی است که با استقلال مسئولانه، خودکنترلی، جرئت‌ورزی محترمانه، مسئولیت‌پذیری و تکیه بر تلاش بیش از نتیجه همراه باشد. درباره رشد مرحله ابتکار باور بر این است که ابتکار در مواجهه با تجربه‌های متنوع، الگو گرفتن از بزرگ‌سالانی که بعد از شکست خوردن یا اشتباه کردن تسلیم نمی‌شوند و درصدد جبران برمی‌آیند و در دسترس داشتن مواد و وسایل و منابعی که با علاقه‌های گوناگون ارتباط دارند، به رشد مطلوب می‌رسد. البته تشویق فرایند به‌جای فرآورده، خطرپذیری مناسب، آزادی همراه با مسئولیت و پیامدها، و داشتن استانداردهای منطقی نیز در رشد صحیح این مرحله سهم بسزایی دارد.

رشد در سازندگی نیازمند مراقبت پایدار، پیگیری قرارها و ضرب‌العجل‌ها، مدیریت زمان، کار کردن شانه به شانه همراه یک بزرگ‌سال روی پروژه‌های طولانی‌مدت و مرحله به مرحله است.

اگرچه والدین به‌عنوان اولین و مهم‌ترین متولیان تشکیل هویت کودکان وظیفه دارند با تنظیم شیوه‌های فرزندپروری خود از رشد اعتماد، خودمختاری، ابتکار و سازندگی حمایت کنند، اما اگر معلمان شیوه‌های کلاس‌داری، تعاملات فردی، راهکارهای آموزشی و الگوهای تدریسشان را به‌گونه‌ای انتخاب کنند که تمرین‌هایی برای دانش‌آموزان در همان اجزای بنیادی فراهم آورد، در رشد هویت و عزت‌نفس مثبت آن‌ها نقش خواهند داشت.

واکنش به «نمی‌دانم»

گاهی نوجوانان عادت «نمی‌دانم» گفتن را به تمام سؤالات تعمیم می‌دهند. «نمی‌دانم» آن‌ها می‌تواند به این معنا باشد که «من به آسانی نمی‌توانم بفهمم چه فکر می‌کنم یا چه حسی دارم» یا «اگر صادقانه جواب دهم و باب میل شما نباشد، سرزنش می‌شوم، پس نمی‌گویم». اگر محیط امنی فراهم شد و «نمی‌دانم»‌ها باز هم باقی ماند، احتمالاً نوجوان برای کشف خود نیازمند کمک است. «نمی‌دانم» نباید به‌عنوان پاسخی معتبر پذیرفته شود. نوجوانان همیشه درباره آنچه می‌اندیشند یا احساس می‌کنند نظراتی دارند. اگر هم پاسخ کاملاً واضحی نداشته باشند، می‌توانند حدس بزنند. بدیهی است که با «نمی‌دانم» نمی‌توان زندگی آینده را ساخت. باید با پرسیدن سؤال‌های هدایتگرانه، نوجوان را برای شناختن خود یاری کرد.

به‌جای فرمان دادن سؤال کنید

تشکیل هویت فرایندی است که اساس آن بر پرسیدن است نه دستور دادن. پرسیدن فرصت انتخاب می‌دهد. این روشی ماهرانه است تا نوجوان بفهمد خودش مسئول تعیین و انتخاب امور مؤثر در کیفیت زندگی‌اش است.

اکتشاف

معلمان باید تکالیفی به دانش‌آموزان بدهند که نوجوان را به‌سمت اکتشاف خود سوق دهد. در این دوران بحرانی زندگی، نوجوانان به حمایت معلمان نیاز دارند تا به آن‌ها کمک کنند استرس‌های وارد شدن به بزرگسالی را مدیریت کنند.

ارائه انتخاب‌ها

فرایند تصمیم‌گیری کمک می‌کند تعیین کنیم هر کدام از ما چه کسی می‌شویم. فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری در اختیارشان بگذارید. این کار به آن‌ها این پیام را می‌دهد که افرادی مستقل هستند، نظرشان اهمیت دارد و صدایشان شنیده می‌شود. اگر نوجوانان با این باور بزرگ شوند که می‌توانند تصمیماتی بگیرند تا زندگی مناسب خودشان را ایجاد کنند، فرایند حساس تشکیل هویت در آن‌ها خود به خود آغاز می‌شود.

کمک به کشف علاقه‌مندی

رشد و تحول هویت نیازمند آن است که نوجوان در چیزی سرمایه‌گذاری کند که منجر به تعریف زندگی‌اش شود. آن چیز ممکن است هوش، ورزش یا علاقه دیگری باشد. هر نوجوانی به چیزی نیاز دارد که بگوید «این متعلق به من است و من می‌خواهم روی آن کار کنم». هرچه این سرمایه‌گذاری پیشرفت کند، حس نوجوان از خود و شایستگی‌اش نیز پیشرفت می‌کند. کنار گذاشتن یک علاقه و انتخاب علاقه‌ای دیگر نیز برای نوجوان امری طبیعی است. غیرطبیعی آن است که نوجوان هیچ سرمایه‌گذاری بیرونی نداشته باشد. آن وقت است که باید به او کمک کرد چیزی را که فکر می‌کند با خودش تناسب دارد پیدا کند. فرایند اکتشاف پایان نمی‌یابد تا مورد مناسبی یافت شود. هدایت ملایم بزرگسال به این فرایند کمک می‌کند. این هدایت می‌تواند شامل این پرسش ارزشمند باشد: «چه چیزی در این دنیا باعث می‌شود احساس ارزشمندی کنی؟»

معلمان چگونه به هویت‌یابی کمک کنند

در دوره دبیرستان دانش‌آموزان می‌کوشند بفهمند چه کسی هستند یا چه کسی می‌خواهند باشند. لازم است معلمان هم از اهمیت این دوران آگاه باشند و برای کمک به دانش‌آموزان در پرداختن به این مسائل بکوشند. معلمان می‌توانند هم مشوق تشکیل هویت باشند و هم برطرف‌کننده موانع تشکیل آن. پیشنهادهایی در این خصوص می‌آید:

راهنمایی شغلی

دعوت از صاحبان مشاغل به مدرسه و ایجاد فرصت گفت‌وگوی دانش‌آموزان با آن‌ها، به نوجوانان اجازه می‌دهد انتخاب‌های موجود را بررسی کنند. در بسیاری اوقات، دانش‌آموزانی که در خانه تشویق نشده‌اند مشاغل را بررسی کنند، می‌توانند اطلاعات ارزشمندی به‌دست آورند که نظرشان را نسبت به جهان تغییر دهد و آن‌ها را آماده کسب یک هویت شغلی کند.

مباحثه

بستر امنی ایجاد کنید تا نوجوانان باورهای پیش‌فرضشان درباره موضوعات گوناگون را به بحث و چالش بکشند. می‌توان به آن‌ها پیشنهاد کرد مقاله‌ای بنویسند و موضوع مورد بحث را از جنبه‌های متعدد بررسی کنند.

مشاوره تحصیلی

مشاوران باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا تصمیم بگیرند بعد از دوره دبیرستان می‌خواهند چه کنند. با اختصاص دادن فرصت بیشتر به هر دانش‌آموز، حمایت بیشتری برای او فراهم می‌شود.

احترام گذاشتن به تصمیم‌های نوجوان

قدرت تصمیم‌گیری به تنهایی و فارغ از نتیجه‌ای که دارد، توانایی مهمی برای نوجوان است. پس آن را قدر بدانید. تصمیم‌های غلط را می‌توان با ایجاد فضایی ایمن از سرزنش و قضاوت تحلیل کرد و با پرسیدن سؤال‌های مناسب به نوجوان کمک کرد تصمیمش را بازبینی کند. به او فرصت بدهید افکارش را توضیح دهد، درباره مسائل بحث کنید و در کلاس حل مسئله گروهی داشته باشید.

در این فرایند می‌توان از توصیه‌های زیر بهره برد:

- ✓ بر نقاط قوت نوجوان تمرکز و او را در آن زمینه‌ها تشویق کنید؛
- ✓ او را تشویق کنید وقتی با موانع و مشکلات روبه‌رو می‌شود، به دنبال پاسخ‌ها و راه‌حل‌ها باشد؛
- ✓ او را تشویق کنید در زمینه‌های علاقه و توانایی‌اش کشف و تجربه کند؛
- ✓ از مقایسه او با دیگران بپرهیزد؛
- ✓ وقتی با موضوعات و سؤالاتی در باب هویت در چالش است، از او حمایت کنید؛
- ✓ احتمالات مثبت در آینده‌اش را به او نشان دهید؛
- ✓ سعی کنید از استعدادها، قابلیت‌ها و اکتشافات نوجوان ذوق‌زده شوید و این شادی را به او نشان دهید.

* پی‌نوشت

۱. نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون یکی از معروف‌ترین نظریه‌های شخصیت در روان‌شناسی است. نظریه اریکسون به تشریح تأثیر تجربه اجتماعی در تمام طول عمر می‌پردازد و بر ابعاد عاطفی اجتماعی رشد تکیه می‌کند.
2. sense of self
۳. برای مطالعه و آشنایی بیشتر با این مراحل می‌توانید به نظریه اریکسون که در کتاب‌های روان‌شناسی رشد آمده است مراجعه کنید.

پیشنهادهایی برای توانمندسازی معلمان

آموزش نوجوانان کار چالش‌برانگیز و سختی است. معلم دوره متوسطه به صلاحیت‌هایی حرفه‌ای نیازمند است تا بتواند در ارتباط برقرار کردن با نوجوانان و آموزش آن‌ها موفق شود. به نظر می‌رسد در بین صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه، این دو گروه از صلاحیت‌ها بیشتر به کمک تشکیل هویت نوجوانان می‌آید؛ اول مهارت‌های شخصیتی بزرگ‌سالانی را پرورش دهند که برای نوجوانان جالب است، و دوم بدانند که این دانش‌آموزان به چه چیزهایی نیاز دارند تا به نوجوانانی شایسته تبدیل شوند.

ویژگی‌های

شخصیتی معلمان مؤثر

نوجوانان از معلمانی بیشتر یاد می‌گیرند که صبور، علاقه‌مند به تفریح، خوش‌بین، محترم، روشن‌فکر، بی‌تکلف، مداراکننده، دلسوز، منعطف، مشتاق، همکار، از لحاظ عقلی، جسمی و اجتماعی سرزنده، و دارای مهارت‌ها، توانایی‌ها و استعدادها گوناگون باشند. علاوه بر این ویژگی‌ها، معلمان مؤثر برای نوجوانان، از فرهنگ و علاقه‌های آنان آگاه‌اند و در حد امکان با آنان همراهی می‌کنند. مثلاً شما چقدر خواننده‌ها یا قهرمانان کنونی نوجوانان را می‌شناسید؟ درباره سلیقه‌ها، فیلم‌ها و بازی‌های دوره سنی آن‌ها چه اطلاعاتی دارید؟

نیازهای اصلی نوجوانان

اگرچه ممکن است نوجوانان خواسته‌های زیادی داشته باشند، اما مهم است بدانیم نیازهای واقعی نوجوانان کدام‌اند تا آن‌ها را از خواسته‌هایشان تفکیک کنیم. خواسته‌ها را می‌توان برآورده نکرد، اما نیازها به هر قیمتی باید برآورده شوند تا فرایند شکل‌گیری هویت در نوجوان دچار اختلال نشود. در مورد حوزه نیازهای واقعی نوجوانان به این هفت مقوله می‌توان اشاره کرد.

۱. شایستگی و موفقیت؛
۲. فرصت‌هایی برای تعریف خود؛
۳. اظهار وجود خلاقانه؛
۴. فعالیت جسمی؛
۵. تعاملات مثبت اجتماعی با بزرگ‌سالان و هم‌سالان؛
۶. محدودیت‌های مشخص و دارای ساختار؛
۷. مشارکت معنادار در امور خانواده، مدرسه و اجتماع.

سخن پایانی

بزرگ‌سالان در رشد هویت نوجوان نقش حیاتی دارند. بنابراین لازم است آنچه را مهم است برای آنان برجسته سازند و کار درست نوجوانان را تشویق کنند. اما یک مشکل معمولاً این است که وقتی بزرگ‌سالان مقاومت یا مخالفت نوجوانان را با ارزش‌ها، قواعد و انتظارات خودشان تجربه می‌کنند، نسبت به آن‌ها واکنش شدید نشان می‌دهند، بر نظر خود بیشتر اصرار می‌کنند و شرایط را به موقعیت برد و باخت تبدیل می‌کنند. اینجا جایی است که رشد هویت می‌تواند صدمه ببیند. نوجوانی را باید زمانی دانست برای امتحان نظرات، سبک‌ها و تصورات مختلف برای پیدا کردن آنی که واقعاً متناسب است.

علی فرخ‌مهر
تصویرگر: مجید کاظمی



دانای مهربان! سلام

از مهر ۱۳۴۴ تا امسال (۱۳۹۳) می‌شود چند سال؟ از جوانی و سپاه دانش و روستای مصفا و دار و درخت «عمارت» اراک تا امروز، هنوز زنده به عشقم! هنوز می‌خوانم و می‌نویسم؛ دلخوش به اینکه «ما درون را بنگریم و حال را!»

حکایت تربیت و آموزش معلم است و عنایت به سرچشمه زلال و پاک و فیاض‌چشمه و سرچشمه‌ای که «گوهران» بسازد و برتر از گوهر، که معلم است.

و آن‌گونه چراغ روشن که معلم باشد و برتر از گوهر، آسان نیست. به این خاطر، در برابر استادان و مدرسان شایسته و گران‌قدر دانشگاه تربیت‌معلم، خود را کمترین می‌دانم و آماده تلمذ. هم فراگیر و دانشجوی خوب و زنده به عشق را دوست دارم و عزیز می‌دانم و هم استاد و مدرس عبور کرده و آشنا با دنیای حساس و پُراحساس معلمی، و آشنا با هنر چگونه معلم بودن را! تفاوت‌هاست بین «آب» و «سراب»؛ تفاوت‌هاست بین «شرنگ» و «شربت»؛ تعارف هم ندارد.

هر نوع دقت‌سنجیده و عقلانی در انتخاب دانشجو و مدرس را اساس کار می‌دانم. سلامت روان، تعادل شخصیت، بیان روشن و هوشمندی شرط است. مهربان بودن، دوری از ریا و تنگ‌نظری شرط است. سلامت جسم، حوصله، هنردوستی، متانت، حیا، اخلاق و احترام به باورها، خدامحوری، دینداری، دور بودن از تملق‌گویی و چاپلوسی و دروغ شرط است؛ و نیز باور عاشقانه به هدف و راه!

نام من کمترین بر چهل عنوان کتاب و یکصد مقاله در باب دنیای تعلیم و تربیت و دنیای معلمی نشسته است؛ و همه حاصل جزرومد لحظه‌های معلمی؛ یعنی بازگویی تجربه‌ها و خاطرات سال‌ها تدریس در دوره‌های دبستان، راهنمایی،

متوسطه، تربیت‌معلم و کلاس‌های آموزش ضمن خدمت. همچنین شرح سفرها، بازدیدها، سرکشی‌ها و سخنرانی‌ها و آشنایی و علاقه‌مندی به گپ‌وگفت با عزیزان فرهنگی. نه به درد سیاست می‌خورم و نه حوصله و باور به جناح و باند و گروه و این حرف‌ها را دارم یا داشته‌ام! خوش‌دلم به همین عشق پیری که سر به رسوایی نمی‌زند!

در این بحر جز مرد راعی نرفت
گم آن شد که دنبال داعی نرفت
خلاف پیمبر کسی ره‌گزید
که هرگز به منزل نخواهد رسید
مپندار سعدی که راه صفا
توان رفت جز بر پی مصطفی

در گوشه و کنار دنیا بسیاریند معلمان موفق و آراسته به هنر معلمی که برابر فرهنگ و باورها و شرایط کشور و جامعه خود رفتار می‌کنند. در عالم معلمی، موفق بودن و موفق شدن فقط در انحصار ما نیست! مگر می‌شود باور کرد هنر نزد ایرانیان است و بس؟!

اغراق و غلو، مبدا حباب شود و باد! واقع‌بینی، نه در آینه محذب یا مقعربینی؛ خودباوری در آینه صاف و شفاف، در «دانشگاه تربیت‌معلم ایران»، مثبت‌نگری، نداشتن سوءظن، زبان خوش و روی خوش به‌ارآور است، و تهدید، هراس، حرص، خشونت، و تخریب دیگران برای اثبات خویش، آفت است و مانع رشد. مدیران شایسته و خوش‌فکر و منظم پیرو قانون، احترام دارند و باید بر صدر نشینند و قدر بینند. معاونان یار باشند و یاور آگاه و بیدار. قبول مسئولیت در هر گوشه خانواده بزرگ و خوش‌نام و گسترده آموزش و پرورش، امری خطیر است،

معلم

اما «راه صواب» است و «ثواب» در پی دارد. آن دانش‌سرای عالی قدیم، چگونه آن معلمان نیکو صفت را پرورش داد؟ هشدار که نام نیکان و رفتگان را ضایع نکنیم!

دانشگاه فرهنگیان را درخت معرفت می‌دانم. می‌دانم در این دانشگاه نور قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، رهگشا و چراغ روشن عشق است. سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی آن زمان که در سنج، در مرکز تربیت‌معلم بنت‌الهدی صدر، و مرکز تربیت‌معلم شهید مدرس صحبت می‌کردم، معرفت‌کرد، محبت و خوش‌فکری کرد، و آشنایی با جوانان عزیز کرد، به دلم نشست. آن مدیریت و آن نظم زیبا بود. مرکز تربیت‌معلم شهید دستغیب تهران (خیابان حافظ)، مرکز تربیت‌معلم شهید صمد صالحی آبادان، دانش‌سرای خنداب اراک، شازند، مرکز تربیت‌معلم اراک مزین به نام مبارک حضرت زینب کبری (س)، مرکز تربیت‌معلم شهید باهنر اراک، و بروجرد که شهر فرزندگان است...، هر جا که رفتم و دیدم و تدریس داشتم، حرف‌های برخاسته از دل، مسرورم کرد و خلاوت زندگی را احساس کردم. به یاد مدیران شایسته مراکز تربیت‌معلم (دانشگاه تربیت‌معلم ایران) که گوهر فکر و بهای تفکر را می‌شناسند. به یاد آنان که فرهنگ، این کلمه و گلوآه پاک، را از آفت «ریا» و «دروغ» محافظت می‌کنند!

اما «راه صواب» است و «ثواب» در پی دارد. آن دانش‌سرای عالی قدیم، چگونه آن معلمان نیکو صفت را پرورش داد؟ هشدار که نام نیکان و رفتگان را ضایع نکنیم! مُهر «باطل شد» رنگ سلیقه و شتابزدگی پیدا نکند. دلسردی نیاورد. مدرسان محترم «دانشگاه فرهنگیان» که سعی در معلم‌پروری دارند، اکتفا و تکرار نکنند بر اینکه این‌گونه باشی و آن‌گونه نباشی! ویژگی‌های معلم را کلیشه‌ای بازگو نکنند. مدرس، باید خود الگوی آراستگی باشد و رفتار و گفتار. فراگیرنده و دانشجو از آن مدرس و آن استاد موفق و باب دل و مورد پسندش الگوبرداری می‌کند. مدرس و استاد باسواد و کلاس‌دار، مفید است و به‌یاد ماندنی. مبادا خریدن تحقیق و پایان‌نامه در دانشگاه فرهنگیان هم باب شود و اینترنت حلال مشکلات. استاد و مدرس آسان‌گیر و ولخرج در امتیازدهی بادآور، نمی‌تواند هوادار صادق پیدا کند. مدرسان محترم و دانشجویان عزیز در خلوت خود بنشینند و به‌یاد آورند آموزگاران، دبیران، مدیران و استادان موفق و عقل و دل پسندی را که در دوران دبستان، دبیرستان و دانشگاه داشته‌اند! پس بکوشند رمز و راز موفق بودن آن‌ها را الگوسازی و الگوبرداری کنند.

خواسته‌هایم را دهه‌های شصت و هفتاد در ماه‌نامه‌های «رشد معلم»، «رشد ادب فارسی»، «تربیت» و نیز در صفحه «الفبا»ی روزنامه اطلاعات آن سال‌ها نوشته‌ام و عملی شدن و اجرایی شدن بعضی موارد را همان وقت‌ها یا سال‌های بعد دیدم. خشنود شدم و احساس طلبکاری نکردم. در برابر اثر مفیدگذاران، هیچم و کمتر از هیچ!

در آن همه کتاب‌ها و نوشته‌ها، معلمانه‌نویسی رهایم نکرد و من هم رهایش نمی‌کنم. نوشتن را درخت معرفت می‌دانم.

فضای یادگیری کلاس درس

فرزانه نوراللهی



← فضای یادگیری جمعی
مشاهده مستقیم آثار متنوع
دانش آموزان با نصب آن‌ها
بر دیوار

فضاها و دیوارهای کلاس از بهترین فرصت‌های یادگیری هستند که می‌توان با مشارکت همه دانش‌آموزان، آن‌ها را به ابزارها و همراهانی مناسب و کارا تبدیل کرد تا قابلیت‌های آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان را افزایش داد. در مدرسه ابتدایی پسرانه مجتمع آموزشی توحید قم، گزارشی تصویری از کلاس‌های آن تهیه کردیم. برای اینکه بتوان این گزارش را به‌عنوان راهکار و پیشنهادی مناسب در اختیار دیگر عزیزان قرار داد، آنچه را مشاهده کردیم، به‌صورت طبقه‌بندی شده تقدیم می‌کنیم:



↑ تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری
دادن مسئولیت خاص به دانش‌آموزان به‌صورت دوره‌ای
برای نگهداری اشیاء یا گیاهان در بخشی از کلاس





← تقویت پژوهش
ارائه پژوهش‌های کلاسی در
زمانی خارج از وقت کلاس

↓ افزایش زمان یادگیری
تکرار نکات پیچیده برای یادآوری و بازآموزی



↑ فضایی برای نقد دیگران
بهره‌گیری از نظرات همه و البته خالی گذاشتن فضای
کارهایی که به‌موقع تحویل داده نشدند.



↑ فرصتی برای ارائه هفتگی فعالیت‌ها
نمایشگاه دائمی آثار علمی و هنری در فضای ثابتی از کلاس،
برای افزایش نظم و پشتکار

دوره‌های عبور از موانع عاطفی دوره‌های عبور از موانع عاطفی

حدیثه اوتادی

اضطراب یکی از شایع‌ترین اختلالات نوروتیک است که کمابیش همه افراد در شرایط مختلف آن را تجربه می‌کنند و انواع و درجات متعدد دارد. این اختلال به‌عنوان یک بیماری اثر نامطلوبی بر جسم و روان انسان می‌گذارد و در هر سنی بنا به مقتضیات آن سن، اثرات متفاوتی دارد. اضطراب در کودکان و نوجوانان، که مورد نظر ما در این مقاله است، می‌تواند علاوه بر اینکه شکست‌های متوالی برای آن‌ها در طول دوران تحصیل ایجاد کند، روی شخصیت آن‌ها نیز اثر سوء بگذارد که در صورت درونی شدن آسیب‌های فراوانی را برای آن‌ها در پی خواهد داشت.

علل اضطراب در مقاطع گوناگون تحصیلی چیست و با آن چه کنیم؟ دوره ابتدایی

از میان اضطراب‌های ممکن در این دوره، اضطراب جدایی و اضطراب تبعیض از اهمیت بیشتری برخوردار است.

تبعیض قائل شدن معلم در ابراز محبت به دانش‌آموز

یادمان باشد، بچه‌ها در این سنین خیلی زود تفاوتی را که در توجه معلم به بچه‌ها وجود دارد درمی‌یابند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. چنین کودکی برای اینکه مورد توجه معلمش قرار نگرفته است خود را سرزنش و فکر می‌کند «من به اندازه کافی خوب نیستم». پس هر مربی یا آموزگار باید در نگاه به کودکان عدالت را رعایت کند.

دوره اول متوسطه

درگیری با موضوع تعارض نقش

در این دوره، دانش‌آموزان در حال گذر از کودکی به بزرگ‌سالی‌اند و دوران سختی را سپری می‌کنند. تعارض نقش موضوع مهمی است که رودرروی آن‌ها قرار دارد، به‌طوری‌که گاهی احساس می‌کنند هنوز کودک هستند و بعضاً رفتار کودکانه از آن‌ها سر می‌زند. گاهی اوقات نیز در قالب یک بزرگ‌سال می‌روند. این آشفتگی نقش کاملاً توسط معلمان این دوره قابل مشاهده است. حتی گاهی مشکل معلمان شیوه برخورد صحیح با دانش‌آموزان این دوره است.

اضطراب جدایی

از شایع‌ترین اختلال‌های اضطراب در کودکان، اضطراب جدایی است که می‌تواند اضطراب اجتماعی را هم به دنبال داشته باشد. ترس از جدا شدن از والدین و قرار گرفتن در فضایی جمعی که کودک را به سمت اجتماعی شدن سوق می‌دهد، می‌تواند موجب اضطراب در او شود. همراهی گام‌به‌گام والدین و معلمان می‌تواند در رفع شدن این اضطراب مؤثر واقع شود. از جمله شما می‌توانید کودک را قبل از رفتن به مدرسه به خروج از منطقه امن تشویق کنید، هرچند ممکن است با مقاومت او روبه‌رو شوید، مثلاً او را با یکی از دوستان برای چند ساعت به جمع بچه‌ها در پارک، جشن تولد و... بفرستید. به‌هرحال، در این باره باید صبور بود تا کودک برای مقابله با مسائلی که به‌نظرش دشوار می‌آید اعتماد به نفس کافی پیدا کند. در واقع منشأ اضطراب جدایی در کودکان ناشناخته است؛ ولی شاید بتوان گفت ترکیبی از ترس ناشی از ناتوانی در مدیریت محیط به همراه شرم و خجالت از روبه‌رو شدن با افراد جدید، زمینه آن را شکل می‌دهد.

پایین بودن سطح عزت نفس

پذیرش بی‌قید و شرط دانش‌آموز توسط معلم می‌تواند به ارتقای سطح عزت نفس او کمک شایانی کند. اگر دانش‌آموز احساس کند شخصیت او مورد قبول معلمش قرار دارد، احساس امنیت خاطر بیشتری در کلاس خواهد داشت. یادمان باشد، در این سن نوجوانان بیشتر از فضای خارج از منزل متأثر هستند. پس اگر معلم تصویر مثبتی از توانمندی‌های دانش‌آموز در ذهن او ایجاد کند، هم محبوبیت خود را افزایش داده و هم حس اعتماد به نفس را در دانش‌آموزان تقویت کرده است.

نداشتن مهارت‌های مطالعاتی و در نتیجه ترس از موفق نشدن

نداشتن روش‌های صحیح مطالعه یکی دیگر از عوامل اضطراب در این سن است. دانش‌آموز مضطرب، در مطالعه هم برنامه‌ریزی اصولی و منسجم و تمرکز و دقت لازم را ندارد. بنابراین، مطالعه او بازدهی کمی خواهد داشت. در هشت شماره سال گذشته به مهم‌ترین موارد در زمینه مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان اشاره شد. در واقع معلمان می‌توانند این روش‌ها را به خوبی به دانش‌آموزان آموزش دهند.

اضطراب ناشی از بلوغ

شاید بتوان گفت بهترین راه مقابله با اضطراب ناشی از بلوغ، پیشگیری است. درواقع، دادن آگاهی و بینش دقیق و به‌موقع درباره ویژگی‌های بلوغ، تا حد زیادی از بروز اضطراب در این زمینه جلوگیری می‌کند. انتظار می‌رود مربیان در مدرسه با فراهم آوردن جو سالم این امکان را به دانش‌آموزان بدهند که سؤالات، افکار، احساسات و احیاناً نگرانی‌های خود در مورد تغییرات جسمانی و فیزیولوژیک خود را به‌راحتی مطرح و جواب‌های مناسبی دریافت کنند. وقتی نوجوان نمی‌تواند از والدین و مربیان خود اطلاعات درستی در این زمینه دریافت کند، ممکن است برای یافتن پاسخ سؤالات خود به کسانی که صلاحیت راهنمایی را ندارند مراجعه کند. این موضوع زمینه‌های انحراف و اضطراب او را فراهم می‌کند. درواقع، نقش مربیان در ارائه اطلاعات سالم به نوجوانان، بسیار حساس و کلیدی است.

نگرانی از پذیرفته نشدن در میان هم‌سالان

در ابتدا باید گفت، اینکه نوجوان بخواهد توسط هم‌سالان خود مورد توجه و حمایت باشد، نیازی طبیعی است. پس سعی در حذف این مهم نداشته باشید. درست است که نقش والدین در این امر بسیار اهمیت دارد، ولی به دلیل اینکه اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری فرایندی است که باید در بطن جامعه رخ دهد، معلمان می‌توانند با رفتاری مهربانانه و حمایتی، در این راستا به نوجوانان کمک کنند. درواقع، چون معلم در فضای کلاس همه دانش‌آموزان را در کنار هم دارد و ویژگی‌ها و رفتارهای آن‌ها را بهتر از والدین می‌بیند، اگر دانش‌آموزی در این زمینه به مشورت نیاز داشته باشد، معلم با دیدی واقع‌بینانه می‌تواند مشاور مورد اطمینان او باشد. در اصل از معلمان عزیز انتظار می‌رود همیشه برای همدلی آماده باشند. همین که دانش‌آموز حس همراهی را از طرف معلم خود درک کند، سطح اضطراب او کم خواهد شد.

بهترین راه
مقابله با اضطراب
ناشی از بلوغ،
پیشگیری است.
درواقع، دادن
آگاهی و بینش
دقیق و به‌موقع
درباره ویژگی‌های
بلوغ، تا حد زیادی
از بروز اضطراب در
این زمینه جلوگیری
می‌کند

انتظارات سطح بالای معلمان و والدین

در مقالهٔ آبان ماه بیان کردیم، انتظارات مثبت معلم از دانش آموز تا چه حد می تواند در بروز استعداد های او مؤثر باشد و اثرات مثبتی بر عملکرد او داشته باشد، ولی نباید فراموش کرد که این انتظارات باید واقع بینانه باشند. انتظارات نابجا و بیش از حد توان، دانش آموز را مضطرب خواهد کرد و نتیجهٔ عکس خواهد داشت.

رقابت نادرست بین هم سالان

اینکه معلم جو رقابت را در کلاس زنده نگه دارد، در جهت پیشرفت تحصیلی دانش آموزانش گام مؤثری برداشته است، ولی متأسفانه گاهی معلم، شاید با قصد الگوسازی، «جو مقایسه ای» را در کلاس حکم فرما می کند و این موجب ایجاد اضطراب در دانش آموز می شود. یادمان باشد، هر فردی توانایی های خاص خود را دارد و اگر قرار بر مقایسه باشد، باید در طول زمان با خودش مقایسه شود نه با هیچ کس دیگری.

شیوه تربیتی والدین

والدین مضطرب زمینهٔ ایجاد اضطراب را در فرزندانشان افزایش می دهند.

اضطراب امتحان

اضطراب امتحان از مهم ترین اضطراب ها در زمینهٔ تحصیلی است که درصد زیادی از دانش آموزان با آن روبه رو هستند. چند نکتهٔ مهم در زمینهٔ کاهش اضطراب امتحان:

- به سطح دشواری امتحان توجه کنید.
مواد امتحانی دشوار غالباً موجب شکست دانش آموز می شود و هر تجربهٔ شکستی هم باعث افزایش اضطراب خواهد شد. تجربه های مکرر شکست باعث افت عملکرد می شود و در نهایت «اضطراب ناتوان کننده» را به وجود می آورد.
- جلسهٔ امتحان را به صحنهٔ دادگاه و حسابرسی تبدیل نکنید.

معلم مجرب و دلسوز می کوشد عوامل مخرب و اضطراب آور را از جلسهٔ امتحان دور کند. بعضی از معلم ها در جلسهٔ امتحان چنان جدی و عبوس هستند که دانش آموز حس جواب پس دادن در جلسهٔ دادگاه را پیدا می کند. شما می توانید با چهره ای گشاده و بیان جملاتی خوشایند، حالت هیجان زدگی و تنش روانی به وجود آمده در دانش آموز را از بین ببرید. در حین جلسهٔ امتحان همواره لبخند به لب داشته باشید تا نگاه اطمینان بخشان دانش آموزان را دلگرم کند.

- قبل از امتحان برای دانش آموزان توصیه هایی راهگشا و آرام بخش داشته باشید.

به آن ها بگویید که با یاد و نام خداوند کار خود را شروع کنند و مطمئن باشند با توکل به خداوند موفقیت بیشتری در انتظار آن هاست. سپس نفس عمیقی بکشند. تنفس عمیق موجب می شود اکسیژن بیشتری به مغز برسد و آرامش جسمی بهتری را تجربه کنند. در آخر یادآور شوید، موفقیت های گذشته شان را در ذهن مرور کنند و با این احساس شروع کنند که باز هم می توانند موفق شوند. این آمادگی، نوعی انرژی جمعی به وجود می آورد و دانش آموزان را آرام تر می کند.

ترس از تنبیه و سرزنش شدن به خاطر کم شدن نمرات

متأسفانه بعضی از معلمان برچسب های نادرستی به دانش آموزان می زنند. شاید به گمان خودشان قصد تلنگر زدن به آن ها را داشته باشند. در این زمینه باید بسیار محتاط بود، چرا که ممکن است خودباوری دانش آموز تضعیف شود و تصور «من نمی توانم»، زمینهٔ شکست های بعدی او را به وجود آورد. رفتار و گفتار معلم نباید موجب تحقیر دانش آموز شود. این امر نه تنها اعتماد به نفس او را خدشه دار می کند، بلکه زمینهٔ ایجاد استرس را در او فراهم می کند.

دوره دوم متوسطه

در این دوره نیز بسیاری از مواردی که در دوره اول متوسطه مطرح شد وجود دارد. علاوه بر آن‌ها، چند مورد دیگر نیز قابل ذکر است:

اضطراب ناشی از مستقل شدن

با اینکه یکی از اصلی‌ترین نیازهای نوجوان کسب استقلال است، ولی بیشتر آن‌ها در این سن از وارد شدن به جامعه و مستقل شدن احساس ناامنی دارند. هرچه اعتماد به نفس فرد پایین‌تر و به دلیل نوع تربیت وی، وابستگی او به خانواده بیشتر باشد، ترس او از مستقل شدن بیشتر می‌شود. در واقع، دلیل اضطراب نوجوان، آگاه نبودن او از وضعیتی است که در آینده پیش خواهد آمد. باید دقت داشت که مسئولیت و فرصت دادن به دانش‌آموز، خصوصاً در محیط مدرسه و اموری که به خود او مربوط می‌شود و ایجاد فضایی برای اظهار عقیده و تصمیم‌گیری، ولو اشتباه، سبب می‌شود او بیاموزد که زندگی سراسر تلاش و مبارزه است. او می‌تواند از خطاهای خود درس‌های مفید بیاموزد و به تدریج مستقل شود. در ضمن، در نیاز نوجوانان به کسب استقلال، تفاوت‌های فردی وجود دارد. به همین دلیل، نباید آن‌ها را مقایسه ملامت‌آمیز کرد؛ این کار باعث دلسردی، احساس ناامنی و اضطراب می‌شود.

نداشتن مهارت‌های لازم برای زندگی

واقعیت این است که بسیاری از نوجوانان ما آن‌طور که باید برای حضور در جامعه آماده نیستند، چرا که مهارت‌های لازم را نیاموخته‌اند. آن‌ها درست نمی‌دانند که چطور با موانع روبه‌رو شوند، چگونه ناکامی را تحمل کنند، چقدر برای دستیابی به اهدافشان تلاش کنند و چه اندازه صبوری به خرج دهند. آن‌ها شاید ندانند که اگر در پذیرش موقعیت‌های متفاوت انعطاف لازم نداشته باشند، در مسیر زندگی شکننده خواهند شد. مواردی از این دست را نه تنها والدین، بلکه به‌طور خاص معلمان به دلیل نقش آموزشی پررنگی که در طول دوران تحصیل فرد دارند باید در خلال زندگی به فرد بیاموزند و او را برای زندگی اجتماعی سالم مهیا کنند.

بی‌هدف بودن

دانش‌آموزان در این سنین زیاد توصیه می‌شنوند، ولی از اینکه نمی‌دانند چه می‌خواهند و هدفشان چیست، دچار اضطراب می‌شوند. بنابراین در رسیدن به خودآگاهی به آن‌ها کمک کنید. دانش‌آموز در این مرحله باید بخش مهمی از رغبت‌ها، استعدادها و مهارت‌هایش را بشناسد تا بتواند بر مبنای آن‌ها برای آینده تحصیلی و شغلی خود تصمیم بگیرد.

در آخر، هر آنچه دانش‌آموزان را به هیجان می‌آورد، عصبانی می‌کند و سرخورده و مأیوس می‌سازد، می‌تواند به اضطراب در آن‌ها بینجامد. این موارد می‌تواند شامل فکر و خیال ناشی از امتحان قریب‌الوقوع یا بروز اتفاقی جدید در زندگی، خانواده یا مدرسه باشد. در ضمن، تصمیم‌گیری‌های مهم و مشکل‌در امر تحصیل و زندگی یا فشارهای ناشی از محیط‌های خانواده و مدرسه می‌توانند باعث بروز اضطراب شوند. همراهی همیشگی شما، خواه با نگاه تأییدآمیز یا جمله‌ای دلگرم‌کننده، می‌تواند به آرامش دانش‌آموزانتان و گذر آن‌ها از مراحل مهم زندگی‌شان کمک کند.

یادمان باشد، هر فردی توانایی‌های خاص خود را دارد و اگر قرار بر مقایسه باشد، باید در طول زمان با خودش مقایسه شود نه با هیچ‌کس دیگری



قراردادهای نامعتبر

معلمان و قانون کار

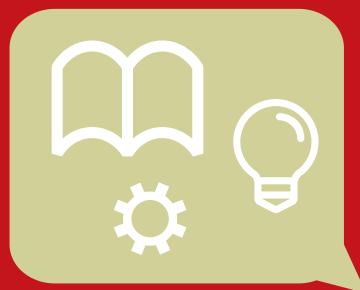
احمد مختاریان



قانون کار خواهند بود. بنابراین، معلمان و شاغلان در مدارس به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول در استخدام دولت و تابع قانون مدیریت خدمات کشوری هستند. دسته دوم در استخدام دولت نیستند و تابع قانون کار خواهند بود. کارکنان رسمی دولت هنگام کار در مدارس غیردولتی تابع قانون کارند. قانون کار عبارت است از مجموعه قوانین و مقرراتی که درباره کارگر و کارفرما و روابط آن‌ها با یکدیگر وضع شده است. این قانون دو امتیاز دارد: یکی اینکه حمایت دولت از آن نسبت به قوانین دیگر بیشتر است، یعنی از ضمانت اجرایی قوی‌تری برخوردار است و دیگر اینکه غالب قواعد مطرح در آن جنبه آمره دارند، یعنی چنانچه به هر دلیلی توافقی برخلاف آن‌ها میان کارفرما و کارگر صورت گیرد، آن توافق ارزش قانونی و حقوقی و قابلیت استناد در دادگاه صالح رسیدگی‌کننده را نخواهد داشت. بنابر ماده ۲ قانون کار، «کارگر کسی است که به هر عنوان در مقابل حق السعی، اعم از

یکی از مهم‌ترین مسائلی که معلمان و شاغلان در مدارس باید با آن آشنا شوند، این است که کار و فعالیت آن‌ها با کدام یک از قوانین موجود ارتباط بیشتر و نزدیک‌تری دارد؟ برای پاسخ دادن به این سؤال و انتخاب قانون مناسب باید به این نکته توجه کرد که شاغلان در کشور ما به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. اشخاصی که برای خود کار می‌کنند و در انجام امور تابع دیگران نیستند. مانند کسی که مغازه خود را اداره می‌کند یا کسی که زمین کشاورزی خود را آباد نگاه می‌دارد یا پزشکی که در مطب خود به مداوای بیماران مشغول است. این اشخاص تابع هیچ یک از قوانین مربوط به کار نیستند.
۲. اشخاصی که در استخدام دولت یا سازمان‌های دولتی خاص مانند نیروهای مسلح هستند. به این افراد کارمندان دولت گفته می‌شود. آنان تابع قانون استخدام کشوری یا تابع قوانین خاص سازمان‌های دولتی هستند.
۳. اشخاصی که در هیچ یک از دو گروه فوق قرار ندارند. این افراد با داشتن شرایط معین، مشمول



**از نگاه قانون
کار، پزشکی که
در کارخانه‌ای به
طبابت مشغول
است، مهندسی
که در شرکتی
ساختمانی کار
می‌کند و تمامی
اشخاصی (معلم،
دفتردار، سرایدار،
مستخدم، مشاور،
معاون و...) که در
مدرسه غیردولتی
کار می‌کنند،
همگی کارگر
محسوب می‌شوند**

معادل حرفه و شغل تلقی شده باشد. بنابر ماده ۳ قانون کار، کارفرما شخصی حقیقی یا حقوقی است که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق السعی کار می‌کند.

اگر شخصی بنا به درخواست شخص دیگری کاری انجام دهد اما دستمزد خود را از دیگری دریافت کند، کارگر آن فرد محسوب نمی‌شود.

بنابر ماده ۴ قانون کار، محلی که کارگر بنا به درخواست کارفرما در آنجا کار می‌کند، کارگاه نامیده می‌شود. پس مدرسه یک کارگاه به حساب می‌آید.

بنابر ماده ۷ قانون کار، قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی کاری را برای مدتی موقت یا غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد.

این ماده نوشتن قرارداد را الزامی نساخته، بلکه قراردادهای شفاهی را نیز معتبر دانسته است. اما مسلماً داشتن قرارداد کتبی زمینه دستیابی کارگر به حقوق قانونی او را تسهیل می‌کند. لذا این تصور که نداشتن قرارداد کتبی به معنی از بین رفتن حقوق قانونی کارگر است، تصوری نابه‌جا و نادرست است.

در صورتی که قرارداد کتبی باشد، براساس تبصره ماده ۱۰ قانون کار، باید در چهار نسخه تنظیم شود. یک نسخه در اختیار کارگر باشد و دیگری در اختیار کارفرما، یکی به اداره کار محل فرستاده شود و یکی در اختیار شورای اسلامی کار قرار گیرد. در صورت نبودن این شورا، در اختیار نماینده کارگران قرار می‌گیرد. با توجه به موضوع بحث این مقاله، در همه مدارس، باید شخص به‌عنوان نماینده کارکنان مدرسه انتخاب شود و یک نسخه از قراردادها در اختیار او قرار گیرد.

ماده ۸ قانون کار، یکی از مهم‌ترین مواد این قانون

حقوق، سهم سود و سایر مزایا، به درخواست کارفرما کار می‌کند. با توجه به تعریف ارائه شده در این ماده، اولاً کارگر مفهومی عام است و به معنای رایج در جامعه نیست. هر شخصی که برای خود کار نمی‌کند و کارمند دولت نیز نیست، با داشتن شرایط زیر کارگر محسوب می‌شود و مشمول قانون کار خواهد بود. پس پست و موقعیت اجتماعی افراد تأثیری در این امر ندارد. از نگاه قانون کار، پزشکی که در کارخانه‌ای به طبابت مشغول است، مهندسی که در شرکتی ساختمانی کار می‌کند و تمامی اشخاصی (معلم، دفتردار، سرایدار، مستخدم، مشاور، معاون و...) که در مدرسه غیردولتی کار می‌کنند، همگی کارگر محسوب می‌شوند.

براساس این ماده مشخصات کارگر عبارت‌اند از:  کار را مجانی انجام نمی‌دهد، بلکه بنا به درخواست شخص دیگری انجام می‌دهد و در مقابل آن دستمزد می‌گیرد.

نکته مهم این است که در قانون کار از مدت و حد نصاب زمانی انجام کار سخن نرفته است. به‌نظر می‌رسد معیار صدق کارگر بودن عرفی باشد. مثلاً اگر کسی به درخواست دیگری، وسایل او را تا مکان خاصی جابه‌جا کند، کارگر محسوب نمی‌شود یا افرادی که مثلاً در خانه‌ها به‌طور موقت به نظافت خانه (خانه‌تکانی) می‌پردازند، کارگر محسوب نمی‌شوند. به هر حال، مدت زمانی که باعث می‌شود شخصی کارگر محسوب شود، امری عرفی است.

نکته مهم دیگر این است که در قانون کار، تعریفی از «کار» ارائه نشده است. در این مورد نیز باید به عرف مراجعه کرد. به‌نظر می‌رسد «کار»



۱ پرداخت مزایای پایان کار

در صورتی که قرارداد کار خاتمه یافته باشد یا مدت کار موقت باشد، کارفرما مکلف است به کارگری که یک سال یا بیشتر به کار اشتغال داشته است، به ازای هر سال سابقه، اعم از متوالی یا متناوب براساس آخرین حقوق، مبلغی معادل یک ماه حقوق به عنوان مزایای پایان کار پرداخت کند. چنانچه کارفرما بدون علت موجه همکاری خود را با کارگر قطع کند، باید با کارگر درباره مزایای پایان کار به توافق برسد. در غیر این صورت، کارگر مستحق دریافت ۴۵ تا ۷۵ روز حقوق نسبت به هر سال سابقه خواهد بود.

۲ پرداخت حق سنوات

چنانچه کارگر به دلایل موجه اخراج شود، کارفرما باید نسبت به هر سال سابقه کار، معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان حق سنوات به وی بپردازد. بنابر ماده ۱۵۷ قانون کار، مراجع رسیدگی به اختلافات ناشی از کار، به ترتیب اولویت عبارتند از: سازش مستقیم میان کارگر و کارفرما؛ مراجعه به نماینده قانونی کارگران و کارفرما؛ هیئت‌های تشخیص؛ هیئت‌های حل اختلاف.

نکته پایانی اینکه گاهی در مدارس غیردولتی، در پایان مدت قرارداد، متنی تنظیم می‌شود که از تسویه حساب کامل کارکنان و سلب حق مراجعه به مراجع قانونی حکایت می‌کند. امضای چنین قراردادهایی مانع از مراجعه به مراجع قانونی نیست و صرفاً بیان‌کننده دریافت بخشی از حقوق قانونی است. زیرا تشخیص ضایع نشدن حقوق قانونی کارگر برعهده مراجع قانونی است و توافق کارگر و کارفرما در این باره بی‌تأثیر خواهد بود.

است. این ماده هرگونه توافقی را که به ضرر کارگر باشد، بلا اثر می‌داند. «شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن، در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور نکند.»

پس اگر در قراردادی توافق شود که کارگر از حق سنوات برخوردار نباشد، این توافق اثر قانونی ندارد و کارگر می‌تواند آن را از کارفرما مطالبه کند. بنابر ماده ۲۱ قانون کار، در حالات زیر قرارداد کار خاتمه می‌یابد:

❖ فوت کارگر. فوت کارفرما تأثیری در قرارداد ندارد.

❖ انقضای مدت قرارداد

❖ پایان یافتن کار، یعنی انجام شدن کامل کار

❖ استعفای کارگر

با توجه به موارد فوق، کارفرما نمی‌تواند به تصمیم خود قرارداد کار را خاتمه یافته تلقی کند. یعنی هیچ کارفرمایی نمی‌تواند کارگر را اخراج کند، مگر آنکه دلیل موجهی برای آن داشته باشد؛ مثل این موارد:

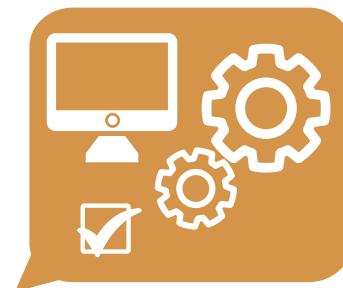
❖ کارگر در انجام وظایف محوله قصور ورزد.

❖ کارگر آیین‌نامه‌های انضباطی کارگاه را رعایت نکند.

در ماده ۲۷ قانون کار آمده است که اخراج کارگر پس از تحقق موارد فوق زمانی امکان‌پذیر است که موارد کتبا به کارگر و شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی یا نماینده کارگران اعلام شده باشد و آنان نسبت به فسخ قرارداد نظر مثبت داده باشند.

در صورت قطع ارتباط کارگر با کارفرما چند مورد باید رعایت شود:

قانون کار عبارت است از مجموعه قوانین و مقرراتی که درباره کارگر و کارفرما و روابط آن‌ها با یکدیگر وضع شده است



کلاس درم

تجربه تلفیق
درس های جغرافیا و آمار

سیدرضا میرقاسمی
دبیر آمار منطقه ۲ تهران
صابر کرباسچی
دبیر جغرافیا و زمین شناسی منطقه ۲ تهران

اهداف

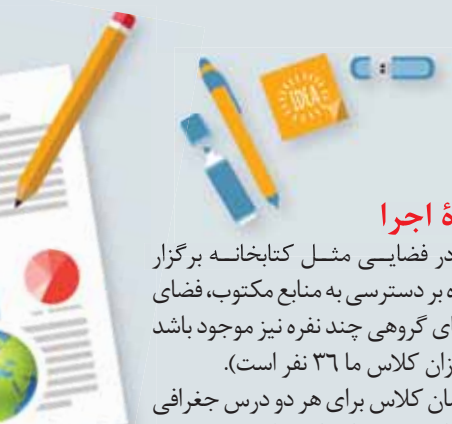
+ افزایش قدرت انتخاب دانش آموز در محتوای آموزشی: دانش آموز می تواند در هر هفته یا جلسه یک یا چند مبحث آموزشی را به انتخاب خود فراگیرد. این مباحث در درس آمار ترتیب دارد، ولی در درس جغرافیا ترتیب خاصی ندارد و صرفاً از محتوای کتاب درسی است.

+ افزایش قدرت انتخاب دانش آموز در انتخاب روش یادگیری: دانش آموز می تواند از تدریس دبیر در این درس بهره ببرد، از کتاب درسی یا کمک درسی کمک بگیرد یا ضمن گفت و گو با گروه هم سالان به فراگیری درس بپردازد.

+ استفاده از روش های اکتشافی و فعالیت محور در تدریس در کنار روش سخنرانی: دبیر در اکثر ساعات کلاس مشاور و راهنما و در کنار دانش آموزان است. او کنترل کننده جهت کلاس و پاسخ گوی سؤالات دانش آموزان است.

در طول سالیان تدریس همواره به این موضوع فکر می کردم که چگونه می توان دامنه انتخاب های آزاد را در حوزه فرایند یاددهی یادگیری برای دانش آموزان افزایش داد؟ یا چگونه می توان در تدریس، از روش سخنرانی، که ما معلمان سخت با آن خو گرفته و به آن عادت کرده ایم و گاهی حتی آن را به دانش آموزان نیز منتقل کرده ایم کمی فاصله گرفت؟

دغدغه های ذهنی ام را بارها با سایر معلمان همکار و همین طور مدیران مدرسه های همراه مطرح کرده بودم. اوایل تابستان ۹۱ معلم آمار دبیرستان با من تماس گرفت و پیشنهاد کرد کلاس جغرافیا سال بعد را با کلاس آمار تلفیق کنیم. لذا در طول تابستان روی طراحی کلاس کار کردم، به این صورت که نیازهای دانش آموزان، دغدغه هایشان، زمان لازم برای تدریس و نتایج احتمالی طرح را مرور کردم. سال تحصیلی فرارسید و این کلاسی است در پایه دوم دبیرستان با انتخاب های آزاد.



نحوه اجرا

+ کلاس در فضایی مثل کتابخانه برگزار می‌شود که علاوه بر دسترسی به منابع مکتوب، فضای کافی برای کارهای گروهی چند نفره نیز موجود باشد (تعداد دانش‌آموزان کلاس ما ۳۶ نفر است).

+ مدت زمان کلاس برای هر دو درس جغرافی و آمار ۶۰ دقیقه است. در ابتدای جلسات کلاس دانش‌آموزان می‌توانند حدود ۳۰ دقیقه به ارائه درس آمار و جغرافی توسط دبیران گوش فرا دهند.

+ دانش‌آموزان مجاز به انتخاب درس آمار یا جغرافی برای انجام فعالیت‌های ارائه شده توسط دبیران در ساعت کلاس می‌باشند؛ با این توجه که باید تا پایان هر نیم‌سال نسبت به پوشش محتوای آموزشی درس اقدامات مورد انتظار دبیر را انجام داده باشند. در درس آمار به دلیل پیوستگی مطالب ترتیب درس‌ها اهمیت دارد، ولی در درس جغرافی انتخاب درس‌ها آزاد است.

+ در هر نیم‌سال (طبق برنامه اعلام شده) سه تا چهار آزمون مستمر برای هر یک از دو درس جغرافی و آمار برگزار می‌شود. مدت هر آزمون ۱۵ دقیقه خواهد بود. آزمون‌های جغرافی با توجه به مطالعه آزاد، با معرفی درس توسط دانش‌آموز، به صورت اختیاری خواهد بود. آزمون‌های آمار به ترتیب درس‌ها برگزار می‌شوند.

+ برنامه نیم‌سال همانند نمونه ارائه شده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد: ▽

+ توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان: چون انتخاب محتواها آزاد است و دانش‌آموز خود در کلاس به فعالیت می‌پردازد، سرعت فراگیری درس‌ها را نیز خود او تعیین می‌کند؛ بدون اینکه به روند آموزشی کلاس و خود دانش‌آموز صدمه‌ای وارد شود. ممکن است دانش‌آموزی براساس ویژگی‌های فردی، برای یک مبحث خاص وقت بیشتر یا کمتری لازم داشته باشد.

+ اجرای کلاس به صورت پروژه محور (PBL) و مشارکتی: دانش‌آموز برای به سرانجام رساندن پروژه پایانی می‌کوشد و مراحل کار را برای مدیریت بر پروژه‌اش همراه با کار گروهی چند نفره تجربه می‌کند.

+ ارتقای قابلیت برنامه‌ریزی فردی: با توجه به آزاد بودن زمان انجام فعالیت‌ها و صرفاً وجود سررسید برای موضوعات گوناگون، برنامه‌ریزی و مدیریت زمان به عهده دانش‌آموز است.

+ حضور هم‌زمان دو معلم در کلاس و اشراف بیشتر بر کلاس: دبیران دو درس جغرافی و آمار هر دو با حدود ۳۶ دانش‌آموز در کلاس حضور می‌یابند.

+ رسیدگی انفرادی به تکالیف و پرسش‌های دانش‌آموزان و اصلاح نحوه ارزیابی فعالیت‌ها: سررسید انجام تکالیف در هر دو درس به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و با توجه به اینکه دانش‌آموزان خود در حال یادگیری هستند، دبیر زمان بیشتری برای رسیدگی انفرادی به تکالیف دارد. در ضمن، دبیران هر دو درس طبق مشاهدات دقیق خود در طول نیم‌سال، فعالیت علمی دانش‌آموزان را نیز ارزیابی می‌کنند.



جلسه ۱۴	جلسه ۱۳	جلسه ۱۲	جلسه ۱۱	جلسه ۱۰	جلسه ۹	جلسه ۸	جلسه ۷	جلسه ۶	جلسه ۵	جلسه ۴	جلسه ۳	جلسه ۲	جلسه ۱	برنامه کلاس مشترک آمار و جغرافی پایه دوم
		درس ۸- ج	درس ۸- ب	درس ۸- الف	درس ۷- ج	درس ۷- ب	درس ۷- الف	درس ۶- ج	درس ۶- ب	درس ۶- الف	درس ۵- ج	درس ۵- ب	درس ۵- الف	ارائه دبیر آمار
		بسته ۱۴- ب	بسته ۱۴- الف	بسته ۱۳- ب	بسته ۱۳- الف	بسته ۱۲- ب	بسته ۱۲- الف	بسته ۱۱- ب	بسته ۱۱- الف	بسته ۱۰- ب	بسته ۱۰- الف	بسته ۹- ب	بسته ۹- الف	ارائه دبیر جغرافی
	درس ۸			درس ۷			درس ۶			درس ۵				آزمون آمار
	۲ بسته آزاد			۲ بسته آزاد					۲ بسته آزاد					آزمون جغرافی
فصل ۵ پژوهش و پاورپوینت	درس ۸		فصل ۴ پژوهش	درس ۷		فصل ۳ پژوهش	درس ۶	فصل ۲ پژوهش		درس ۵	فصل ۱ پژوهش			سررسید تکلیف آمار (کتاب درسی)
پایان نامه پژوهشی	۶ بسته	اعلام موضوع پایان نامه	۵ بسته	مثبتی فیلم	۴ بسته	امتیاز مثبت گردشگری	۳ بسته		۲ بسته		۱ بسته			سررسید تکلیف جغرافی (کتاب درسی و کاربرگ)



ارزشیابی

هر دو درس بخش‌هایی را برای ارزیابی دانش‌آموزان به ایشان معرفی می‌کنند:

- + آزمون‌های مستمر (۵۰ درصد)
- + فعالیت در کلاس (۲۰ درصد)
- + تکلیف (۲۰ درصد)
- + پایان‌نامه پژوهشی (۱۰ درصد)
- + امتیاز مثبت (تا ۱۰ درصد)

مؤخره

آن سال تحصیلی را همراه با دانش‌آموزان، با روش فعال در هر دو درس گذرانده‌ایم. تجربه موفق بود که برای تکمیل و رفع نواقص آن به حمایت و پشتیبانی همه افراد مرتبط اعم از مسئولان مدرسه، دانش‌آموزان و اولیای ایشان نیاز داشتیم. نظام‌های سنتی و کهنه ما که بر مبنای معلم‌محوری و روش سخنرانی دانش‌آموز را پرورش داده‌اند، باید کم‌کم (شاید هم به سرعت) تغییر کنند. وقتی در ابتدای سال طرح را به‌طور کامل برای دانش‌آموزان کلاس معرفی کردم، یکی از آن‌ها پرسید: «آقا! یعنی شما هیچ درسی به ما نمی‌دهید؟» گفتم: «اگر منظور شما سخنرانی بنده است، نه. من درس نمی‌دهم.» وقتی در پایان هر نیم‌سال، اهداف را با معلم آمار مرور کردیم، نتیجه از موفقیت خوب و گاهی هم نسبی اهداف حکایت داشت که برای تکمیل آن‌ها استمرار و گسترش طرح نیاز است. یعنی طرح باید برای چند سال و چند درس دیگر نیز اجرا شود تا دانش‌آموزان و نظام آموزشی دبیرستان نیز با آن بیشتر ارتباط برقرار کنند.

+ عنوان‌های بسته‌های آموزشی در هر دو درس موضوعات یک یا چند درس از کتاب رسمی آموزش و پرورش است. مثلاً درباره جغرافی: جغرافیای طبیعی ایران، مخاطرات طبیعی، آلودگی محیط‌زیست. و در درس آمار: نمودارها و تحلیل داده‌ها، همبستگی و رگرسیون.

+ هر بسته یا درس (در هر دو درس جغرافیا و آمار) به‌طور کلی بخش‌های زیر را داراست:

◀ مطالعه متن درس از روی کتاب
درسی یا کمک آموزشی

◀ انجام فعالیت‌ها و تمرین‌های درس
که در کتاب آمده یا در قالب کاربرگ و تکلیف توسط دبیر معرفی شده است.

◀ تهیه و ارائه پروژه پژوهشی با موضوع آزاد و مرتبط با مباحث هر یک از دو درس با هماهنگی دبیران

+ انتخاب موضوع پروژه توسط دانش‌آموز صورت می‌پذیرد و قبل از اجرا به تأیید دبیر می‌رسد.

+ اصول اجرای یک پژوهش و مبنای ارزشیابی و ارائه این بخش در هر یک از دو درس به دانش‌آموز معرفی می‌شود.

+ موضوعاتی که برای پروژه آمار انتخاب می‌شوند، چنانچه به‌عنوان‌های درس جغرافیا مرتبط باشند، پس از کسب مجوز از دبیر و ارائه پایانی، در درس جغرافیا نیز تأثیر دارند.

+ در درس جغرافیا دانش‌آموز می‌تواند با مراجعه اختیاری به شبکه داخلی دبیرستان یا اینترنت و مطالعه فایل‌های مربوط به این درس (مقالات، پاورپوینت، عکس یا فیلم و فهرست منابع مکتوب) که دبیر تهیه کرده است، به سطح دانش خود عمق ببخشد.

+ در هر یک از دو درس فعالیت‌هایی به‌عنوان موضوعاتی که جنبه‌های دیگر علاقه‌مندی دانش‌آموزان را پوشش دهد تعریف شده‌اند که به ایشان معرفی می‌شوند؛ مثلاً در درس جغرافی نقد فیلم‌های مرتبط یا گزارش سفرنویسی و در درس آمار، تهیه اخباری که در آن‌ها از آمار استفاده شده است.

حسین گل‌بیدی

معلمی که صدای کرولال‌ها را شنید

جعفر ربانی

تصویرگر: علی شفیع آبادی

آموزش کودکان کرولال در ایران دو پیشگام دارد، یکی **جبار باغچه‌بان** و دیگری **حسین گل‌بیدی**. از این دو نفر، باغچه‌بان به‌دلیل تقدم زمانی، در تهران بودن، حمایت ملی و دولتی از او، و البته ورود او به دنیای ادبیات کودکان و نیز مکتوب کردن آثار و نظراتش، از گل‌بیدی سرشناس‌تر و نام‌آورتر است. به‌ویژه اینکه وی را بارها در کتاب‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و مطبوعات معرفی کرده‌اند. اما گل‌بیدی هم، به نوبه خود، در این زمینه کاری کرد کارستان و با دیگر خدماتی که در عرصه عمومی انجام داد، نام نیکی از خود باقی گذاشت. نگاهی داریم بر زندگی و خدمات این معلم خدمتگزار و بی‌ادعا.

گل‌بیدی که بود؟



حسین گل‌بیدی بنیانگذار مدرسه کرولال‌ها در اصفهان بود. وی در محله بیدآباد اصفهان متولد شد (۱۳۰۷). چند سالی در مکتب درس خواند و بعد از آن، چون پدرش اجازه نداد به مدرسه برود، ترک تحصیل کرد و از همان کودکی شاگرد یک مغازه خیاطی شد. ده سال در خیاطی کار کرد تا مشمول نظام وظیفه شد و به خدمت سربازی رفت. در سربازی همان اندک سواد مکتب‌خانه‌ای موجب شد وی را در یادگان به‌کار امور دفتری منصوب کنند. در فرصت سربازی گل‌بیدی در یک آموزشگاه آزاد ثبت‌نام کرد و درس‌های دوره ابتدایی را خواند و تصدیق ششم ابتدایی را گرفت. همین تصدیق سبب شد وقتی دوره سربازی را به پایان رساند، به پیشنهاد یکی از دوستانش، معلم شود. بنابراین در اصفهان آموزشگار دبستان جعفری شد و چنان علاقه نشان داد و خوب کار کرد که سال بعد مدیریت مدرسه را به او سپردند. طی چند سالی که آموزشگار بود، باز هم با ثبت‌نام در یک آموزشگاه درس‌های دبیرستان را نیز خواند و به‌طور متفرقه امتحان داد تا سرانجام دیپلم گرفت. در آن زمان در سال پنجم دبیرستان دیپلم می‌دادند و به آن «دیپلم علمی» می‌گفتند.

گل‌بیدی با داشتن دیپلم علمی توانست به استخدام رسمی وزارت فرهنگ درآید و لذا پست جدید او را در یکی از روستاهای بروجن به‌نام **فراذنبه** قرار دادند. در فراذنبه نیز وی با جدیت و حسن‌نیت به کار خود ادامه داد.

گل‌بیدی و نخستین کودک کرولال



چه شد که گل‌بیدی سر از آموزش کودکان کرولال درآورد؟ از خودش بشنویم: «در همان ایامی که معلم دبستان جعفری بودم، یک سال بچه کرولالی را به مدرسه آوردند که ثبت‌نام کنند... در واقع، خانواده‌اش، می‌خواستند سرش را جایی گرم کنند. چون مدرسه ملی بود، او را پذیرفتند و ثبت‌نام کردند. من که از کلاس بیرون می‌آمدم، می‌دیدم این بچه گوشه‌ای کز کرده است و غصه می‌خورد. دلم سوخت و سعی کردم با او رابطه برقرار کنم. اوایل زیربار نمی‌رفت،



گل‌بیدی خانه‌ای را اجاره کرد و کار خود را با کمتر از ده کودک کرولال آغاز کرد؛ بدون هیچ همکار، دفتردار، مستخدم یا کمک دیگری. در ضمن خودش نیز وسایل کمک آموزشی مخصوص کودکان را ابداع و طراحی می‌کرد و می‌ساخت

بازدید از کلاس حسین گل‌بیدی.
گل‌بیدی در سمت چپ عکس دیده می‌شود.



* پی‌نوشت

این نوشته عمدتاً براساس
گفت‌وگویی که دوست و همکار
نویسنده و سردبیر پیشین مجله
رشد معلم، آقای جواد محقق،
در سال ۱۳۷۸ با گل‌بیدی
انجام داد و در شماره‌های دی و
بهمن ماه همان سال چاپ شد،
تنظیم شده است.

ولی سرانجام با هم رفیق شدیم. هر وقت مسئولان مدرسه با او کاری داشتند یا می‌خواستند پیغامی به خانواده‌اش برسانند که مثلاً شهریه‌اش را بیاورد، به من می‌گفتند که حالی‌اش کنم. عاقبت توانستم چند کلمه‌ای به او یاد بدهم. بعد هم یکی از شعرهای کلاس اول را (من که از گل بهترم، پسر من پسر) یادش دادم که با زحمت و تلاش به کمک دست و لب می‌خواند. وقتی او را بردم توی دفتر و جلوی معلم‌ها شعر را خواند، همکاران، هم مرا و هم او را، خیلی تشویق کردند.»

گل‌بیدی سپس این کودک را به کلاس خودش (دوم یا سوم) برد و تحت آموزش رسمی قرار داد: «خوشبختانه استعداد خوبی داشت و خیلی سریع پیشرفت کرد. به‌طوری که ثلث اول قبول و ثلث دوم نفر اول کلاس شد!» گل‌بیدی بعداً که به فرادنبه رفت در آنجا هم در پی یافتن کودک یا کودکان کرولال برآمد و سرانجام طفلی به نام **اسحق ایران‌پور** را یافت و از پدرش خواست او را به مدرسه بفرستد تا مجانی به وی خواندن و نوشتن یاد بدهد. پدر راضی شد و اسحق «هر روز صبح هفت هشت کیلومتر راه روستایی را با دوچرخه می‌آمد و برمی‌گشت.»

همین دو تجربه سبب شد گل‌بیدی در پی تأسیس مدرسه‌ای مخصوص آموزش کرولال‌ها برآید و درخواست مجوز کرد. در تهران او را به **جبار باغچه‌بان** معرفی کردند تا صلاحیتش را بررسی کند. باغچه‌بان او را تأیید کرد و حتی از وی خواست به تهران بیاید و دستیار خودش شود که گل‌بیدی نپذیرفت و به اصفهان برگشت. یک‌سال بعد مجوز او صادر شد. با دریافت مجوز، گل‌بیدی خانه‌ای را اجاره کرد و کار خود را با کمتر از ده کودک کرولال آغاز کرد؛ بدون هیچ همکار، دفتردار، مستخدم یا کمک دیگری. در ضمن خودش نیز وسایل کمک آموزشی مخصوص کودکان را ابداع و طراحی می‌کرد و می‌ساخت.

در سال ۱۳۴۰، **دکتر محمود مهران**، وزیر وقت آموزش و پرورش، به اصفهان آمده بود. گل‌بیدی، علی‌رغم میل مسئولان، وزیر را به بازدید از مدرسه دعوت کرد. دکتر مهران نیز پذیرفت و به مدرسه آمد. شگفت‌زده شد که گل‌بیدی جوان یک‌تنه به چنین کار بزرگی دست زده است. بنابراین، یک نشان مخصوص به او داد، هزار تومان پاداش برای وی در نظر گرفت و دستور داد آموزش و پرورش یک نفر مستخدم هم در اختیار او قرار دهد. مدرسه گل‌بیدی بیش از پیش شکوفا شد و آوازه یافت، طوری که در دهه چهل، به یکی از جاذبه‌های آموزشی - فرهنگی اصفهان تبدیل شد و شخصیت‌های مختلفی به دیدار از آن موفق شدند که از جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد: **علامه محمدتقی جعفری**، **استاد محمدتقی شریعتی**، **امام موسی صدر**، **حجت‌الاسلام محمدجواد مغنیه** (از علمای لبنان)، **استاد سیدغلامرضا سعیدی**، **آیت‌الله جنتی**، **دکتر پرویز نائل خانلری**، **دکتر علی شریعتمداری**، **پروفیسور هشترودی**، **استاد مرتضی مطهری**، **استاد رضا روزه‌به** و **حجت‌الاسلام سیدکاظم موسوی**.

ادامه راه



گل‌بیدی تحصیلات خود را همچنان ادامه داد و توانست در اواخر دهه چهل به دانشگاه اصفهان راه یابد و مدرک لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات عرب دریافت کند که این خود بر اعتبارش افزود. در اوایل دهه پنجاه، یک نفر کارشناس آمریکایی، از مؤسسه آموزش کرولال‌ها، به ایران آمد و از مدرسه باغچه‌بان در تهران دیدن کرد. دختر باغچه‌بان (ثمینه)، او را به اصفهان فرستاد تا از مدرسه گل‌بیدی نیز دیدن کند. این دیدار موجب شد آن مؤسسه گل‌بیدی را برای مشاهده مدارس کودکان استثنایی به آمریکا دعوت کند. گل‌بیدی پذیرفت و در پی آن دو سفر، یکی به مدت سه هفته و سال بعد از آن به مدت دو ماه به آمریکا رفت و بر مشاهدات و تجربیات خود افزود.

این معلم خدوم یکسره تا سال ۱۳۶۲ کار کرد تا اینکه زمان بازنشستگی او فرا رسید. به‌سادگی بازنشسته‌اش کردند و چون مدرسه‌اش دیگر دولتی شده بود، شخص دیگری را به مسئولیت مدرسه گماشتند. از گل‌بیدی هم، البته - چه در اصفهان، مدیر کل وقت و چه در تهران، **حجت‌الاسلام سیدکاظم موسوی**، معاون شهید رجایی در آموزش و پرورش - خواستند به کار خود ادامه دهد، ولی او نپذیرفت و بازنشستگی و پی‌گیری کارهای دیگرش را که کم از مدرسه نبود ترجیح داد. با این حال گلایه داشت که: «متأسفانه بعد از من کسی را به مدرسه فرستادند که از من می‌پرسید: این بچه‌ها چند نفرشان کر و چند نفرشان لال هستند؟!» شگفت‌مردی بود حسین گل‌بیدی! وی به تمام معنا خلاق، انسان‌دوست، با ایمان و فعال اجتماعی بود. به‌جز تأسیس مدرسه کرولال‌ها، تأسیس انجمن مددکاری امام زمان (عج) برای کمک به کودکان یتیم، مدیریت عامل کانون علمی و تربیتی جهان اسلام، اداره نمایندگی و پخش مجله مکتب اسلام در اصفهان، ریاست انجمن حمایت از زندانیان اصفهان و بالاخره همکاری در تأسیس مؤسسه باقرالعلوم (مجمع آموزشی امام محمدباقر(ع)) از دیگر کارهای او بود. این معلم کم‌نظیر در آبان‌ماه ۱۳۸۹ در گذشت.

رشد معلم در مالزی

محورهای شایستگی معلمان

دکتر نیره شاه محمدی

آموزشی، در اکتبر ۲۰۱۱ وزارت آموزش و پرورش، به بررسی همه‌جانبه نظام آموزش و پرورش کشور پرداخت تا بر مبنای آن، طرحی ملی با اهداف «دستیابی به استانداردهای جهانی در نظام آموزشی» و «آماده‌سازی کودکان برای نیازهای قرن بیست و یکم» ارائه دهد. این وزارت‌خانه در طول ۱۱ ماه داده‌های مورد نیاز را از متخصصان آموزش و پرورش، یونسکو، بانک جهانی اطلاعات، شش دانشگاه محلی مالزی، مدیران، معلمان، والدین و دانش‌آموزان جمع‌آوری کرد. خروجی آن طرحی اولیه بود که عملکرد کنونی نظام آموزشی و چشم‌اندازهای این نظام را به تصویر می‌کشید.

با عنایت به طرح مذکور و بررسی‌های انجام شده، وزارت آموزش و پرورش مالزی «بسته مسیر ارتقای حرفه‌ای معلمان» را تدوین کرده است. بسته مذکور مسیر رشد حرفه‌ای هر معلم از بدو ورود به شغل معلمی تا بازنشستگی را ترسیم می‌کند و در آن استانداردهای حرفه‌ای معلمی، شیوه‌های ایجاد فرصت برای رشد حرفه‌ای، شیوه‌های زمینه‌سازی پیشرفت شایستگی‌ها و عملکرد در معلمان ذکر شده است.

یکی از رموز موفقیت و پیشرفت چشمگیر کشور مالزی در حوزه‌هایی مانند دانش، اطلاعات، اقتصاد و بازرگانی، توجه ویژه به جایگاه معلمان و تلاش برای ارتقای سطح دانش، مهارت و توانمندی‌های آن‌هاست. مسئولان آموزش و پرورش این کشور بر این باورند که معلمان در توسعه آموزشی کشور نقش مهمی دارند، زیرا هیچ نظام آموزشی، بدون فداکاری و تعهد معلمان و مدیرانش نمی‌تواند موفق باشد. همچنین، بدون توجه جدی به نیاز واقعی معلمان و مدیران، هیچ اصلاحی صورت نمی‌گیرد. منابع مالی، مادی و حمایت از معلمان نیز نقش بسزایی در تغییر و تحول در آموزش و پرورش دارند. به عبارت دیگر، در کشور مالزی معلمان نه تنها به تحقق اهداف آموزش و پرورش کمک می‌کنند، بلکه زمینه‌ساز توسعه سرمایه انسانی نیز هستند.

توسعه حرفه‌ای معلمان در مالزی از سال ۱۹۹۵ مورد توجه قرار گرفت و در سال ۲۰۰۷ حداقل مدرک تحصیلی برای معلمان ابتدایی لیسانس اعلام شد. به دلیل افزایش انتظارات والدین و عموم مردم از نظام



اهداف بسته

← احیای حرفه معلمی از طریق برگزاری آزمون ورودی؛
 ← افزایش سرمایه‌گذاری و بودجه برای برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان؛
 ← زمینه‌سازی خروج معلمان دارای عملکرد پایین تدریس و انتقال آن‌ها به سایر مشاغل و پست‌ها؛
 ← تعیین مشاغل و تخصیص افراد به پست‌ها براساس مهارت‌های مورد نیاز هر شغل؛
 ← تعیین شیوه‌های تسریع پیشرفت معلمان دارای عملکرد آموزشی بالا؛
 ← ارائه شیوه‌های بازشناسی و معرفی معلمان خبره در موضوعات درسی؛
 ← ارائه شیوه‌های ارتقای کیفیت آموزش و تدریس در بین معلمان؛
 ← ارائه الگوها و نمونه‌هایی از معلمان برجسته برای سایر معلمان؛
 ← ارتقا و بهبود آموزش مدارس از طریق به‌کارگیری معلمان شایسته.
 (راهکار ۳-۱۱ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، بر ایجاد سازوکارهای لازم برای جذب و نگهداشت استعدادها برتر به حرفه معلمی و راهکار ۴-۱۸ به استفاده بهینه از دانش و تجربه نخبگان و پیشکسوتان آموزش و پرورش تأکید دارد).

سه اقدام مورد نظر فرصت‌هایی را برای معلمان ایجاد می‌کنند تا مهارت خود را ارتقا دهند و در شغل خود پیشرفت کنند. براساس بسته مسیر ارتقای شغلی معلمان مالزی، معلم شایسته شخصیتی والا و چشم‌اندازی علمی و پیشرو در کسب علم و معرفت دارد. او فردی متعهد، حافظ میراث فرهنگی و تضمین‌کننده رشد تک‌تک دانش‌آموزان است. چنین معلمی یادگیری را در دانش‌آموزان تعمیق می‌بخشد و به حفظ جامعه‌ای مترقی، دموکراتیک و منضبط کمک می‌کند (بند ۲-۴ از برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، معلم را آگاه به ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان، خالق فرصت‌های تربیتی و آموزشی، راهنما و راهبر فرایند یاددهی-یادگیری، و مسئول تطبیق، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی و تربیتی در سطح کلاس معرفی می‌کند).

معلم شایسته
 شخصیتی والا
 و چشم‌اندازی
 علمی و پیشرو
 در کسب علم
 و معرفت دارد.
 او فردی متعهد،
 حافظ میراث
 فرهنگی و
 تضمین‌کننده
 رشد تک‌تک
 دانش‌آموزان
 است



وزارت آموزش و پرورش مالزی، در بسته مذکور، استانداردهای حرفه معلمی را در چند بُعد ارائه کرده است:
 ۱. ارزش‌های فردی، حرفه‌ای و اجتماعی؛
 ۲. دانش، درک و فهم؛
 ۳. مهارت‌های تدریس و یادگیری برای اشتغال در پست‌های مختلف (معلم، مدیر و...)
 (بند ۱۳ از راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز به توسعه مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، تربیتی، علمی و حرفه‌ای فرهنگیان اشاره دارد).

وزارت آموزش و پرورش مالزی همچنین برای بهبود استانداردهای معلمی، سه اقدام اساسی انجام داده است:
 ۱. بالا بردن استانداردهای ورود به حرفه معلمی؛
 ۲. افزایش سرمایه‌گذاری در رشد مستمر حرفه‌ای و یادگیری مداوم برای معلمان؛
 ۳. کاهش بار اداری از دوش معلمان.

ارزش‌های فردی، حرفه‌ای و اجتماعی

این حوزه به ارزش‌هایی اشاره دارد که می‌توانند به معلم و حرفه معلمی کمک و دستیابی به اهداف آموزش و پرورش را تسهیل کنند. این سطح از شایستگی خود به سه دسته ارزش‌های فردی، ارزش‌های حرفه‌ای و ارزش‌های اجتماعی تقسیم می‌شود. ارزش‌های فردی، مسئولیت‌پذیری فرد در برابر رفتار فردی خود است. ارزش‌های حرفه‌ای به بررسی تکالیف معلم در یک حرفه و مسائل ارزشی آن اشاره می‌کند. ارزش‌های اجتماعی هم بر نقش‌های مهم اجتماعی معلم، مانند رهبری و اسوه بودن، تأکید دارد.



الف ارزش‌های فردی

- معلمان در این سطح لازم است:
- ارزش‌های معنوی و اخلاقی را در فرایند یاددهی یادگیری ادغام کنند؛
 - مسئولیت‌پذیر باشند و در هنگام انجام وظایف کلاسی و درسی مسئولیت‌های مرتبط با آن را به عهده بگیرند؛
 - در مقابل مشکلات و موانع حرفه‌ای و شغلی صبر و حوصله نشان دهند و بین دانش‌آموزان، به لحاظ وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قومیتی و مذهبی، تمایز قائل نشوند؛
 - به دانش‌آموزان عشق بورزند و همواره نگران و مراقب تندرستی و سلامت آن‌ها باشند؛
 - وظایف خود را صادقانه، مسئولانه و متعهدانه انجام دهند؛
 - به دنبال فرصت‌هایی برای ارتقای دانش و مهارت علمی خود باشند؛
 - به تخصیص وقت و انرژی خود در فرایند آموزش تمایل داشته باشند؛
 - به مقابله با استرس‌های شغلی در محیط کار تمایل نشان دهند؛
 - به تنوع فرهنگی، قومی، ملیتی و نژادی احترام بگذارند؛

➤ در فعالیتهای آموزشی که دولت و سازمان‌های غیردولتی تعیین کرده‌اند، به‌طور فعالانه شرکت کنند؛

➤ از مهارت‌های ارتباط بین فردی مؤثر و کارآمد استفاده کنند. زیرا آنچه معلم را یک انسان معرفی می‌کند، میزان تعاملی است که او با دیگران دارد. وجود ارتباط بین فردی در کامیابی‌های معلم در بسیاری از جهات مانند رشد و توسعه اجتماعی مؤثر است؛

➤ به ارائه خدمات آموزشی (مانند برگزاری کلاس‌های فوق برنامه و جبرانی برای دانش‌آموزان) در داخل و خارج از ساعت کاری تمایل نشان دهند؛

➤ در حفظ و ثبت داده‌ها و اطلاعات سازمانی بکوشند.



ب ارزش‌های حرفه‌ای

- این سطح به ارائه وظایف حرفه‌ای اشاره دارد و موارد زیر را شامل می‌شود:
- حفظ شأن و جایگاه حرفه معلمی؛
 - برخورداری از آمادگی کامل برای انجام وظایف شغلی؛
 - داشتن تعهد نسبت به کار و حرفه خود، بدون دخالت دادن انگیزه‌ها و علاقه‌های شخصی؛
 - ارائه ویژگی‌های یک رهبر خوب در رفتار و منش خود؛
 - پذیرش عقاید متفاوت با روی گشاده؛
 - شناسایی فرصت‌هایی برای تقویت عملکرد خود و دانش‌آموزان؛
 - استفاده از روش‌ها، رویه‌ها و رویکردهای متفاوت در فرایند یاددهی یادگیری.

معلم در این سطح لازم است:

- در نقش‌های مهم اجتماعی به‌طور مؤثر و فعال شرکت کند؛
- نسبت به عقاید دیگران صبر، تحمل و توجه نشان دهد؛
- با دانش‌آموزان، همکاران و سایر اعضای جامعه ارتباط مؤثر برقرار کند؛
- به صرف وقت و انرژی برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی تمایل نشان دهد؛
- به‌عنوان رهبر و چهره برجسته علمی در جامعه مطرح شود (بند ۲-۴ برنامه درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، به نقش معلم به‌عنوان اسوه، امین و بصیر دانش‌آموزان اشاره می‌کند و او را راهبر فرایند یاددهی یادگیری می‌داند).

این بخش با تخصص معلم در موضوع درسی حوزه تدریس خود، فعالیت‌های برنامه درسی و فوق برنامه ارتباط دارد. بر مبنای این بعد، این خصوصیات برای هر معلم مالزیایی لازم است:

- آگاهی، درک فلسفه، اهداف کلی و جزئی برنامه درسی، نظریه‌های یادگیری، فعالیت‌های فوق برنامه و نیازهای آموزش، تدریس و یادگیری؛
- آشنایی با شیوه‌های به‌کارگیری فناوری اطلاعات، رسانه‌ها و مواد آموزشی برای آموزش محتوای برنامه درسی؛
- شناخت شیوه‌های به‌کارگیری روش‌های سنجش و اندازه‌گیری و اقدام‌پژوهی؛
- درک و شناسایی توانایی‌ها و استعدادها بالقوه دانش‌آموزان برای کمک به رشد همه‌جانبه و یکپارچه آن‌ها و ایجاد یک محیط یادگیری ترغیب‌کننده خلاقیت، پویایی و تفکر در دانش‌آموزان.

معلم بر مبنای این دسته‌بندی لازم است:

- از مهارت لازم برای برنامه‌ریزی فرایند آموزش و تدریس بر مبنای سرفصل‌های ارائه‌شده در برنامه درسی، محتوای کتاب درسی و تقویم هفتگی مدرسه برخوردار باشد؛
- در ارزیابی کارایی و تأثیر راهبردهای آموزشی به‌کار رفته برای بهبود روش تدریس خود و کمک به تقویت موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مهارت داشته باشد؛
- در به‌کارگیری نتایج ارزیابی برای تعیین میزان دستیابی به اهداف، بهبود تدریس کلاسی و یادگیری دانش‌آموزان ماهر باشد؛
- در اجرای تدریس و آموزش کلاسی با بهره‌گیری از روش‌ها، تکنیک‌ها و رویکردهای متفاوت مهارت داشته باشد؛
- از فناوری اطلاعات در فرایند یادگیری دانش‌آموزان با مهارت استفاده کند؛
- در به‌کارگیری روش‌های مدیریت مؤثر کلاس درس و راهبردهای آموزشی خلاق برای تضمین هدایت یادگیری دانش‌آموزان و ایجاد نظم و ترتیب در بین آنان مهارت داشته باشد؛
- از منابع و فناوری آموزشی بر مبنای توانایی دانش‌آموزان و سبک‌های یادگیری آن‌ها به‌طور بجا و مناسب استفاده کند؛
- بتواند اهداف درس و مهارت‌هایی را که دانش‌آموزان نیاز دارند تا به کمک آن‌ها بر موضوع درسی تسلط یابند تعیین کند؛
- در زمینه مفاهیم، اصطلاحات، لغات و اصول مرتبط با موضوع درسی، از طریق ذکر مثال‌هایی از زندگی واقعی خود دانش‌آموزان، توضیحات کافی و روشن ارائه دهد؛
- برای تعمیق آموخته‌های دانش‌آموزان، فعالیت‌های کلاسی و خارج از مدرسه تعیین کند؛
- پرسش‌هایی ارائه دهد که نیازمند به‌کارگیری مهارت‌های سطح بالا هستند.

با عنایت به آنچه گفته شد، در مالزی، معلمان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران صحنه تعلیم و تربیت هستند؛ بازیگرانی که کار آن‌ها تربیت انسان‌های با فضیلت است و این وظیفه‌ای است که با هیچ حساب مادی و سنجش مالی قابل مقایسه نیست.



* منابع

1. Asariah Binti Mior Shahrudin (2009). «The next generation of teachers: The Malaysian perspective. Deputy Director General of Education. Teacher professional Development Sector: Ministry of Education, Malaysia: pp. 1-13.
2. Islam H. Abu Sharbain, Kok- Eng Tan (2012). «PRE- SERVICE TEACHERS' LEVEL OF COMPETENCE AND THEIR ATTITUDES TOWARDS THE TEACHING PROFESSION», School of Educational Studies, Universiti Sains Malaysia, penang, MALAYSIA. SN: 2186-8484 Print, Vol.1. No. 3. August 2012.
3. Teaching Competency Standards in Southern Asian Countries (2010). Eleven Country Audit, SEAMEO Innotech Regional Education Program Series, philippine, www.Seameo innotech.org
4. Malaysia Education Blueprint 2013-2025, Preliminary Report September, 2012.

فراخوان مقاله

وزارت آموزش و پرورش، مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان

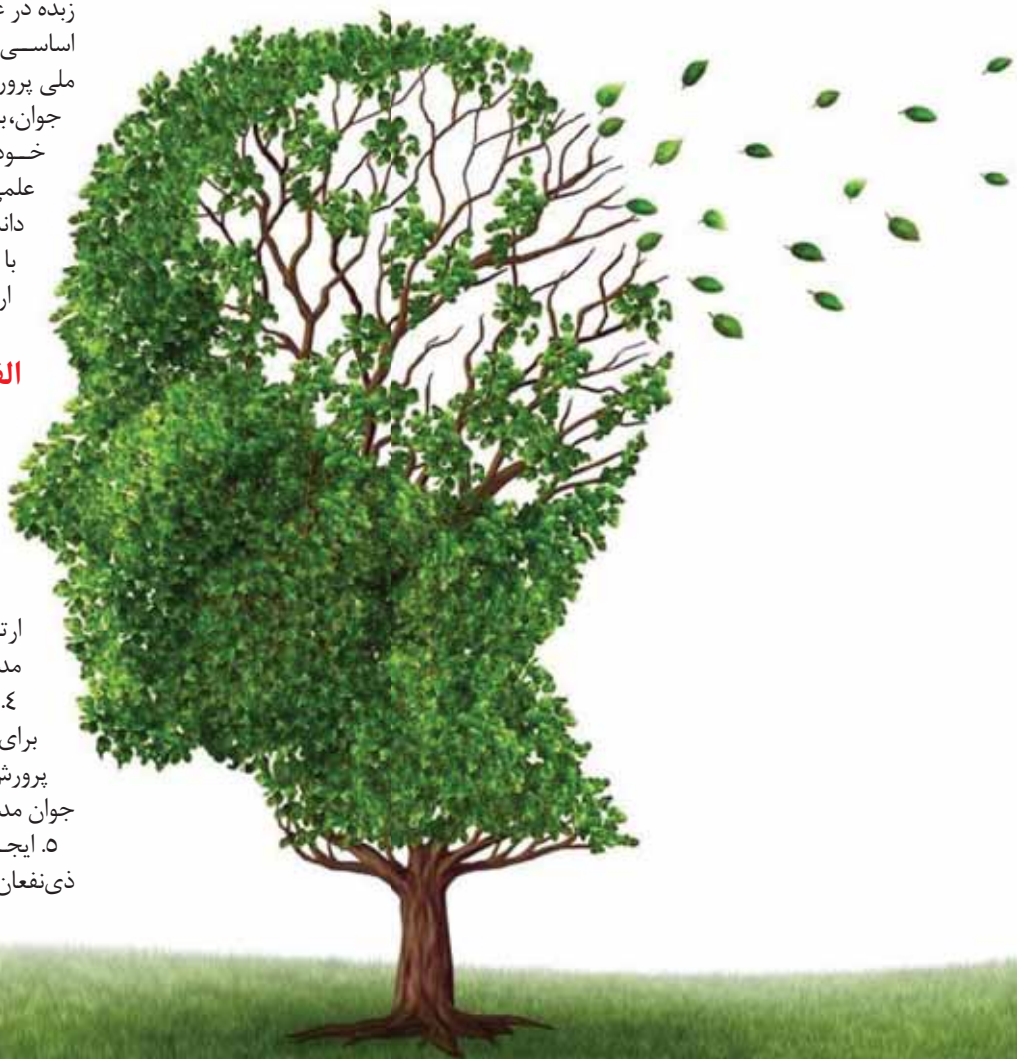
کار فقط فیزیکی نیست، ارائه کردن فکر، ارائه کردن نظر، و تلاش کردن برای رسیدن به نظرات برتر، جزو بافضیلت‌ترین کارهاست.
(مقام معظم رهبری - ۱۳۹۲/۷/۱۷)

مقدمه

با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر تحقق «پیشرفت علمی با شتاب بالا، یک سیاست بنیادی برای نظام است» و تأکید معظم‌له مبنی بر ورود همه نیروهای فکری و زبده در عرصه‌های تعلیم و تربیت برای ایجاد تحول اساسی و بنیادی در نظام آموزش و پرورش، مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان، به منظور باز مهندسی برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، از کلیه صاحب‌نظران و مدرسان مرکز علمی و دانشگاهی، دبیران، معلمان، مربیان، دانشجویان، مدیران، معاونان، کارشناسان و... با عنایت به اهداف و سرفصل‌های زیر، برای ارائه مقاله دعوت می‌کند:

الف. اهداف

۱. تبیین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مربوط به استعدادهای درخشان و نخبگان
۲. احصای مسائل مرتبط با آموزش و پرورش دانش‌آموزان تیزهوش
۳. دستیابی به راهکارهای مؤثر برای ارتقای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس استعدادهای درخشان
۴. دسترسی به یافته‌های علمی و پژوهشی برای تدوین برنامه‌های سالانه در مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان مدارس
۵. ایجاد زمینه مناسب برای مداخله مؤثر ذی‌نفعان در تصمیم‌سازی‌ها





مرکز ملی پژوهش‌های استعدادهای درخشان دانش‌پژوهان جوان

ب. سرفصل‌های فراخوان مقاله

۱. راهکارهای تقویت هویت اسلامی/ایرانی و انقلابی دانش‌آموزان مدارس استعدادهای درخشان
۲. راهکارهای تربیت دانش‌آموزان مدارس استعدادهای درخشان براساس ساحت‌های ششگانه نظام تعلیم و تربیت کشور (تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی؛ تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری؛ تعلیم و تربیت زیستی و بدنی؛ تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه؛ تعلیم و تربیت حرفه‌ای و اقتصادی).
۳. سازوکارهای افزایش نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در جریان تعلیم و تربیت، به‌ویژه مدیریت مدارس استعدادهای درخشان
۴. تأثیر فعالیت‌های مکمل و فوق‌برنامه در پیشرفت علمی و آموزشی دانش‌آموزان مدارس استعدادهای درخشان
۵. نقش نشاط و شادابی در پیشرفت و موفقیت دانش‌آموزان مدارس استعدادهای درخشان
۶. کمیت و کیفیت خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس استعدادهای درخشان
۷. راهکارهای افزایش نقش تربیتی مدیریت آموزشگاهی و کارکنان مدارس استعدادهای درخشان
۸. آسیب‌شناسی محتوای تکمیلی دروس به‌منظور دستیابی به چارچوب مناسب در این زمینه
۹. دلایل ایجابی و تأسیس مدارس استعدادهای درخشان و کارکردهای آن در نظام تعلیم و تربیت کشور
۱۰. فرصت‌ها و آسیب‌های پیش‌روی مدارس استعدادهای درخشان
۱۱. تأملات نظری در خصوص روش‌های جایگزین شناسایی و هدایت استعدادهای برتر
۱۲. چپستی و چرایی و چگونگی پژوهش‌های دانش‌آموزی در مدارس استعدادهای درخشان
۱۳. مقایسه تطبیقی مدارس استعدادهای درخشان ایران با کشورهای توسعه‌یافته
۱۴. تاریخچه و تحلیل فراز و فرودهای مدارس استعدادهای درخشان
۱۵. جایگاه و پشتوانه مدارس استعدادهای درخشان در اسناد بالادستی (مصوبات شورای انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش و سند راهبردی نخبگان)
۱۶. ویژگی‌ها و نقش‌های نیروی انسانی در مدارس استعدادهای درخشان
۱۷. نقد و بررسی روش‌های موجود شناسایی و جذب دانش‌آموزان دارای استعداد برتر

۱۸. راهکارهای حفظ و نگهداشت دانش‌آموختگان مدارس استعدادهای درخشان و پیشگیری از فرار نخبگان
۱۹. بررسی وضعیت اشتغال و اثربخشی دانش‌آموختگان مدارس استعدادهای درخشان بر مراکز علمی و اجرایی کشور
۲۰. الگوهای علمی، ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی از عملکرد مدارس استعدادهای درخشان
۲۱. سایر عناوین مرتبط با استعدادهای درخشان، المپیادهای علمی و جشنواره خوارزمی

ج. نکته‌های اجرایی

۱. مقاله به‌صورت بدیع و کاملاً علمی کاربردی ارائه شود.
۲. مطالب به‌صورت تاپ شده، حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ صفحه باشد (مقاله دریافتی عودت داده نمی‌شود).
۳. مقاله باید با ذکر دقیق مشخصات نویسنده شامل نام و نام‌خانوادگی، شغل، مدرک و رشته تحصیلی، نشانی منزل و محل کار و تلفن تماس ارسال شود.
۴. مقاله حداکثر تا مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ به دبیرخانه فراخوان ارسال شود (از مراجعه حضوری جدا خودداری شود).
۵. مقاله باید قبلاً در جایی چاپ نشده باشد.
۶. مقاله برگزیده چاپ خواهد شد و از نویسنده به فراخور شأن او، به‌صورت مادی و معنوی، تشکر و قدردانی به‌عمل خواهد آمد.
۷. مقاله برگزیده و مناسب با امانت‌داری حسب موضوع، از طریق فصل‌نامه و نشریات پژوهشی مرکز ملی استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان منتشر خواهد شد.
۸. اهتمام و دقت در تولید اثر (مقاله) به‌خصوص استفاده از منابع و متون دینی و علمی و توجه به جهت‌گیری‌های مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان مورد تأکید است.
۹. زمان و مکان همایش متعاقباً اعلام خواهد شد.

نشانی ارسال مقاله

تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، نبش خیابان سمیه، ساختمان شماره ۲ وزارت آموزش و پرورش (زنده‌یاد مهندس علاقه‌مندان) طبقه هفتم.

نشانی الکترونیکی دبیرخانه فراخوان:

www.sampad.medu.ir

مدرسه‌ای که موزه شد

این روزهای دارالفنون دیدن دارد

گزارشگر: سمانه آزاد
عکاس: مریم فرحی



دوره ناصرالدین شاه به آن‌ها نیاز داشت. البته دارالفنون در دوره حیات خود، تنها این حوزه و رشته‌ها را به خود ندید، بلکه در هر دوره، براساس نیازهای جدیدی که احساس می‌شد، رشته‌های جدیدی به مدرسه اضافه یا از آن حذف می‌شد. مثلاً پس از سال‌ها رشته‌های توپخانه، پیاده‌نظام و سواره‌نظام از مدرسه حذف شد. در نتیجه، مدرسه کارکرد نظامی‌گری خود را از دست داد. همچنین، با افتتاح دانشگاه تهران و انتقال آموزش‌های طب و داروسازی به آن، این دو رشته نیز از آموزش‌های مدرسه حذف شد. به قول آقای **ابوطالب حافظی**، مدیر موزه دارالفنون، «گرچه بعد از حذف این رشته‌ها مدرسه به سطح یک دبیرستان رسید، اما مهم این است که مسئولان امر، رشته‌هایی را طراحی می‌کردند که بتواند جوابگوی نیاز جامعه باشد. در دارالفنون به موضوع آموزش براساس نیاز اهمیت زیادی داده می‌شد؛ حتی بنای اولیه مدرسه نیز براساس نیازسنجی ساخته شده است.»

پیوند علم و عمل

«آموزش براساس نیاز روز» تنها ویژگی مدرسه دارالفنون نبود. در این مدرسه تاریخی، آموزش نظری و عملی در کنار هم بود که نه تنها در زمان خود، بلکه اکنون هم ویژگی مهمی محسوب می‌شود. برای مثال، در رشته طب، ابتدا درس‌ها به صورت نظری بود، سپس پس از یک سال شاگردان طب و جراحی را به مرخصی‌خانه می‌بردند و به صورت عملی آموزش می‌دادند. نخستین آموزش بالینی آن‌ها هم در آوردن سنگ مثانه بود که دکتر **پولاک** انجام داد. همچنین، **موسیو فوکنی** معلم فیزیک و شیمی و داروسازی در سال ۱۲۷۲ ه.ق وسایل یک آزمایشگاه مناسب با کار خود را آورد و از آن تاریخ دانش‌آموزان در آزمایشگاه نیز فعالیت داشتند.

فراز و فرودهای یک مدرسه

از یک نظر می‌توان فعالیت دارالفنون را به چهار دوره متفاوت تقسیم و فعالیت‌هایش را بر این اساس بررسی کرد. **دوره اول** از سال تأسیس (۱۲۳۱ ه.ش) تا یک سال بعد از مرگ ناصرالدین شاه است. آقای حافظی درباره این دوره می‌گوید: «از آنجا که در این دوره رؤسا

آموزشی‌اش، مدتی است روزهای متفاوتی را تجربه می‌کند؛ یعنی درست از زمانی که به موزه و نمایشگاه سیر تاریخی آموزش و پرورش ایران تبدیل شده است. با هم سری به این موزه می‌زنیم.

مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه.ق (۱۲۳۱ ه.ش) به همت امیرکبیر تأسیس شد. شاید بتوان نخستین و مهم‌ترین هدف امیرکبیر از ساخت این مدرسه رافع نیازهای کشور در آن دوره دانست؛ دوره‌ای که جنگ‌های طولانی **عباس میرزای ولیعهد** با روسیه تزاری عمدتاً به شکست منجر شده بود، چرا که ایرانیان با سلاح‌های قدیمی توان مقابله با روسیه مجهز به سلاح‌های روز را نداشتند. گرچه نیازهای کشور به همین جا ختم نمی‌شد و نیاز به دانش پزشکی روز، به خصوص با شیوع بیماری‌هایی مانند وبا و آبله، بیش از پیش نمایان بود. اکنون، با نگاهی به رشته‌هایی که در این مدرسه تدریس می‌شد، می‌توان به کار هوشمندانه امیرکبیر در تأسیس این مدرسه پی برد: رشته‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه، معدن‌شناسی، فیزیک و شیمی، طب و داروسازی؛ یعنی همان حوزه‌هایی که ایران

۱ مسال
(۱۳۹۳)،
صد و شصت
و دومین
سالگرد
تأسیس
مدرسه دارالفنون
است؛ مدرسه‌ای
که به همت **امیرکبیر**
ساخته شد تا چراغی باشد
که جامعه ایران آن زمان را روشنایی
بخشد و بخشد. دانش‌آموختگان همین
مدرسه بودند که در جنبش مشروطه
تأثیر بسیاری داشتند: از **صنیع‌الدوله**
و **احتشام‌السلطنه**، اولین و دومین
رؤسای مجلس شورای ملی گرفته تا **میرزا**
جهانگیرخان، مدیر روزنامه تأثیرگذار
صوراسرافیل. کیست که نداند دکتر **محمد**
قریب، **فریدون آدمیت**، **علی اکبرخان**
نقیسی، **عباس اقبال آشتیانی**،
یدالله سجایی، **فرهاد فخرالدینی**
و **محمدحسین بهجت** (شهریار) از
فارغ‌التحصیلان این مدرسه تاریخی بوده‌اند؟
مدرسه دارالفنون با پایان گرفتن حیات

و مدیران لایقی اداره دارالفنون را برعهده داشتند، دوره پرفروغی بوده است. نخستین مدیر این مدرسه **میرزا محمدعلی خان شیرازی** بود که امیرکبیر پیش از عزل خود از سمت صدارت، او را انتخاب کرده بود. پس از او **عزیزخان مکرری**، **امیرمحمد تومان** و **علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه** (نخستین وزیر علوم ایران)، مدیریت مدرسه را به عهده داشتند.

دوره دوم از سال‌های آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه را شامل می‌شود. در این دوره، مدرسه به لحاظ کمی و کیفی دچار افت می‌شود. به طوری که تعداد ۳۸۷ شاگرد آن در سال ۱۳۰۷ ه.ق به ۱۶۲ شاگرد در سال ۱۳۲۱ کاهش می‌یابد. **دوره سوم** از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۱۳ به طول انجامید، در این سال، با تأسیس دانشگاه تهران، دارالفنون کارکرد دانشگاهی خود را از دست می‌دهد و به دبیرستان تبدیل می‌شود؛ البته دبیرستانی که همچنان علاقه‌مندان و داوطلبان خاص خود را دارد و به‌عنوان یکی از بهترین دبیرستان‌های تهران مطرح است.

دوره چهارم مدرسه از سال ۱۳۱۳ شروع و تا سال ۱۳۶۴ ادامه می‌یابد. در این دوره، مدرسه به روزهای پرفروغ خود بازمی‌گردد و فضای رقابتی حاکم بر آن به شناسایی استعدادها منجر می‌شود.

درس اول: وفاداری به میهن

گرچه دارالفنون دوره‌ها و فراز و نشیب‌هایی را از سر گذرانده است، اما در همه این دوره‌ها یک چیز مشترک است و آن پرورش دانش‌آموزانی است که غالباً به میهن وفادار بوده‌اند؛ از فارغ‌التحصیلان نخستین دوره‌ها که کمابیش در انقلاب مشروطه مؤثر بودند، تا دانش‌آموختگان متأخرتر همچون دکتر محمد قریب، بنیان‌گذار طبع نوین اطفال در ایران. آقای حافظی در این باره می‌گوید: «اکثر دانش‌آموزان مدرسه پس از پایان تحصیلاتشان در دارالفنون، برای ادامه تحصیل به اروپا سفر می‌کردند، اما به کشور بازمی‌گشتند. بیشتر این افراد پس از بازگشت به ایران یا به‌عنوان معلم در دارالفنون و بعدها در دانشگاه تهران مشغول به کار می‌شدند یا به مقام‌های مهم دولتی می‌رسیدند. بقیه دانش‌آموختگان مدرسه هم دست کمی از

این افراد نداشتند. ۷ نخست‌وزیر و ۲۵ وزیر، نتیجه بخشی از فعالیت‌های دارالفنون است.» فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون، مانند پایه‌گذار مدرسه، در پی روشنگری بودند و نجات ایران از استبداد و جهل و فقر: «بسیاری از مدارس در دیگر نقاط ایران، توسط دانش‌آموختگان دارالفنون ساخته شد. مثلاً **احمدخان دریایی** از محصلان دارالفنون بود که به حکمرانی بوشهر رسید. او در زمان استانداری بوشهر مدرسه سعادت را بنا کرد که به مادر مدارس جنوب ایران معروف شد.»

اما این حس وطن‌دوستی و وفاداری به میهن از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ آقای حافظی معتقد است، فضای حاکم بر مدرسه در ایجاد چنین روحیه‌ای بی‌تأثیر نبوده است: «وقتی محصلان می‌دیدند معلمان خارجی‌شان با همه وجودشان خدمت می‌کنند و داشته‌های خود را انتقال می‌دهند، حس می‌کردند خودشان هم باید برای کشورشان مفید باشند. یکی از این معلمان دکتر پولاک بود که رشته طب را تدریس می‌کرد. او کالبد بی‌جان خود را پیشاپیش فروخت تا دانش‌آموزان رشته طب بتوانند آن را کالبدشکافی کنند؛ پولاک پول حاصل از این معامله را نیز صرف ایجاد کتابخانه کرد. در چنین شرایطی، حس کمک به هم‌وطنان و پیشرفت کشور در ذهن محصلان دارالفنون شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد، نقش معلمان در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است.»

مدرسه‌ای که موزه شد

گرچه سال‌هاست حیات آموزشی مدرسه دارالفنون به اتمام رسیده و به جای صدای تدریس معلمانی چون دکتر پولاک، دکتر فوکتی، **کرزیس**، **میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله**، **شیخ محمد صالح اصفهانی**، **میرزا سیدعلی** و... صدای مرمت و بازسازی از این مدرسه به گوش می‌رسد، اما هنوز حتی دیوارهای مدرسه چیزی برای آموختن دارند. اگر این روزها که مدرسه به موزه و نمایشگاه سیر تاریخی آموزش و پرورش ایران تبدیل شده است سری به آن بزنید، نکات بسیاری درباره تاریخ آموزش و پرورش کشور به‌دست می‌آورید. در این موزه، اطلاعاتی درباره نظام آموزشی کشور از

سال ۱۳۰۲ ه.ش تاکنون در دسترس مراجعان قرار داده شده است. سیر تحول برنامه‌های هفتگی، چارت‌های سازمانی و ساختار تشکیلاتی آموزش و پرورش در دوره‌های گوناگون از جمله موضوعاتی است که در این موزه مورد توجه قرار گرفته است.

خانه وزیران آموزش و پرورش، خانه معلمان و نیز اتاق کتاب‌های درسی از دیگر قسمت‌های جالب این مدرسه - موزه‌اند. در این قسمت‌ها، رزومه کاری همه وزرای آموزش و پرورش کشور، از اعتضادالسلطنه تا دکتر **علی اصغر فانی**، دیده می‌شود. معرفی معلمان فرهیخته و تأثیرگذاری مانند **احمد آرام**، **عباس یمینی شریف**، دکتر **علی شریعتی**، شهید **مرتضی مطهری** و **جلال آل احمد** از دیگر بخش‌های موزه است که دیدن آن‌ها برای همه علاقه‌مندان به حوزه تعلیم و تربیت جذاب خواهد بود.

اگر سیر تحول کتاب‌های درسی نظام آموزشی کشور برایتان جذاب است، می‌توانید به این موزه نیز سری بزنید و کتاب‌های قدیمی را تورق کنید. آقای حافظی می‌گوید: «می‌خواهیم همه اسناد و مدارک در زمینه تعلیم و تربیت کشور را در معرض دید قرار دهیم تا به دانش‌آموزانمان شناسنامه و هویت ملی و نیز پیشینه غنی‌شان را نشان دهیم و آن‌ها را با گذشته کشور پیوند بزنیم. چرا که هر چقدر پیوند با ریشه و هویتشان قوی‌تر باشد نه باد مسموم بیگانگان می‌تواند آن‌ها را بلرزاند و نه ظواهر فرهنگ غربی می‌تواند جذبشان کند.»

گرچه امیرکبیر را زنده نگذاشتند که حتی شروع به کار مدرسه‌ای را که خود ساخته بود ببیند، اما کار او آن‌چنان اساسی و بنیادی بود که آن‌ها که جا پای قدم‌های این بزرگ‌مرد هوشیار گذاشتند و توانستند اهداف و مبنایاتی را که وی در نظر داشت عملی سازند؛ طوری که دارالفنون پیش‌درامدی بر تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شد.



موزه دارالفنون

← نشانی: تهران، میدان امام خمینی، ابتدای خیابان ناصرخسرو
← شماره تماس: ۰۲۱-۳۳۱۱۱۵۲۵

رمز	از کارکنان زحمتکش مدرسه	روز پیروزی انقلاب اسلامی	مدیریت به جا آوردن	نزاع دکوراسیون	استان زبانی	آموزشگاهها	از ابعاد سواد مالی	مهم ترین منبع یادگیری دانش آموزان
۱	←	↓	↓	↓	یخشی از چشم چین و چروک	↓	↓	↓
۲			۷		↓			
۳	تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار	۷			طبیعت ثانوی	۱۲		
۴	نگهبان ساکن در مدرسه	←		۲۳	بحر بوییدن	←		۱۸
۵	آخر شب روستایی	←	مرکز ایتالیا غذای کودک	←	غذای ساده شادمانی	فلز گلوله اشتباهاً	۲۵	
۶	←	←	یخشی از مدرسه ماده روغنی	۸	فلز هادی پزشک مخصوص فرعون	یک خودمانی بر ساحل بچوبید	←	
۷	بعید بخش های اداری	←	←	پرستار اسطوره مصری	نظیر و مانند بسیار و فراوان	۱		
۸	←			معمل اسانه های معاصر دوری	↓	↓		۱۳
۹	دنيا آخرت است	۲۱	۲	↓	حسود هرگز علم	←	۲۰	
۱۰	پاسخ مثبت خالی	←	مشغول حل آن هستيد مسير الحرافه	←	تياه ثبت نام	←		
۱۱	←		علت ها فرعه مساعد	↓	جنس توخالی جزیره جنوبی	↓		
۱۲	سکرتر عامل وراثت	۹	↓	پاسخ منفی نام اصلي چنگيزخان	خدایی ترعه	۳		
۱۳	←	←	مجموع قوای نظامی آغوش	↓	حالت بی هوشی حرف همراهی	↓	اسب سیاه رنگ	آخرین یک رقمی
۱۴	دو بال پرواز دانش آموزان	معروف منظره	↓	۴	نیمی از جامعه بشریت همراه «خاک»	↓	↓	↓
۱۵	۱۹	↓			↓		۱۶	
۱۶	←	نامی زنانه موقعیت دشواره مخصه	←	مرآت گریز	۲۶	←	گلبنگ نماز	
۱۷	مادر ورزش ها محل عبور	↓	حرف آخر ستاره شناسی	پولک ماهی جایگاه مروارید	من و تو شهر عادت!	←	↓	↓
۱۸	لقب امام دهم (ع)	۱۱	سوره پیروزی علامت مغولی	۶	آب صفر درجه مخفف مشهدی	↓	نت چهارم	
۱۹	رئیس مدرسه	←	هر جانور اهلی حرف دهم	↓	به عهد خود پای بند بودن	۱۰	↓	
۲۰	خالق تابلوی عصر عاشورا	←	۱۴					



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

• رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)

• رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)

• رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و

ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش

تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش

جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک

• رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی

• رشد آموزش فن و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایران‌شهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۸۸۲۰۱۴۷۸ - ۲۱



غلامرضا لشکر بلوکی

معاون دفتر دوره اول متوسطه

یکی از محاسن شرکت در مطالعات تیمز این است که وضعیت عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در درس‌های ریاضیات و علوم تجربی در مقایسه با میانگین عملکرد جهانی مشخص می‌شود. چنان‌که در مباحث پیشین به عوامل متعددی اشاره شد که در بهبود عملکرد دانش‌آموزان در این زمینه نقش به‌سزایی دارند، در این گفتار، به عامل دیگر، یعنی محتوای کتاب‌های درسی، اشاره خواهد شد.

کتاب‌های درسی از مهم‌ترین منابع یادگیری در نظام‌های آموزشی هستند و ابزار اصلی معلم و دانش‌آموز را برنامه درسی مدارس تشکیل می‌دهند. در بین معلمان، دو دیدگاه درباره محتوا و حجم کتاب‌های درسی وجود دارد. برخی معتقدند هر قدر - البته به‌طور نسبی - حجم مطالب درسی و میزان ساعات اختصاص یافته بیشتر باشد، میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر است. دسته دیگر نیز معتقدند، چنان‌چه به دنبال تعمیق یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هستیم، باید حجم کتاب‌های درسی کمتر و در مقابل عمق و کیفیت آموزش بیشتر باشد. البته «یافته‌های تیمز و پرلز هم نشان می‌دهد که هر چه حجم مطالب درسی و میزان ساعات اختصاص یافته به آموزش بیشتر باشد، میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر است. اما نباید تصور کرد که این عامل همواره و در همه جا صادق است. نمونه آن عملکرد برخی از کشورهای برتر در تیمز و پرلز است که به‌رغم حجم اندک (اما عمیق) مطالب درسی و اختصاص ساعات آموزشی



اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضاء:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

اشتراک مجله: ۰۳۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۲-۱۴

هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

کم به آن‌ها، عملکرد دانش‌آموزان آن کشورها بالاتر از سایر کشورهاست. محتوا یکی از هفت عنصر برنامه درسی است «محتوا عبارت است از مجموعه مطالب، مفاهیم، مهارت‌ها و گرایش‌هایی که برنامه‌ریزان انتخاب و مؤلفان به‌صورت کتاب سازمان‌دهی می‌کنند. در عین حال، محتوا آثار حاصل از فعالیت‌های یاددهی‌یادگیری معلم و شاگرد را دربرمی‌گیرد» (ملکی، ۱۳۸۳). **ملکی** در تشریح و تبیین این تعریف از محتوا نیز خاطرنشان می‌سازد: «این نکته مهم است که محتوا تنها همان نیست که برنامه‌ریزان طراحی و مؤلف انتخاب و سازمان‌دهی می‌کند. با اینکه عمده محتوا همین است، اما در فرایند آموزش، آنچه معلم برای تدریس تدارک دیده است و آنچه خود او پیش‌بینی کرده است، ولی در ضمن تدریس بروز و جلوه می‌کند، همچنین آنچه از تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر حاصل می‌شود، همه بخشی از محتوا را تشکیل می‌دهند. یعنی علاوه بر مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که تهیه‌کنندگان محتوای برنامه درسی انتخاب کرده‌اند، رابطه معلم با دانش‌آموزان و رابطه دانش‌آموزان با یکدیگر نیز منشأ دیگری برای محتواست، منتها چون این رابطه‌ها اختیاری نیست و نمی‌توان از قبل آن‌ها را پیش‌بینی کرد، در بحث برنامه‌ریزی که به‌طور عمده با اعمال آگاهانه مرتبط است، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. طرح «بعد پنهان محتوا» از این نظر قابل توجه است که برنامه‌ریزان و مجریان، محتوای آموزشی را بسته‌ای تصور نکنند که مواد مورد نیاز داخل آن ریخته شده و کلید آن نیز نزد معلم است و او می‌تواند داخل کلاس آن را باز کند و به ذهن دانش‌آموز منتقل سازد» (پیشین). با عنایت به آنچه گفته شد، ممکن است معلمان بخواهند در کنار محتوای کتاب‌های درسی، محتوای تکمیلی را نیز برای تعمیق یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس ارائه کنند. به‌طور کلی، در انتخاب محتوا لازم است چند معیار مهم را در نظر گرفت. **ملکی** یازده معیار را برای انتخاب محتوا ارائه کرده است که چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: الف. اهمیت: محتوا ضمن برخورداری از اهمیت بالا، باید باعث رشد توانایی‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌های دانش‌آموزان شود. ب. اعتبار: باید مفاهیم، اصول و تعمیم‌هایی انتخاب شوند که از نظر علمی صحیح و معتبر هستند؛ ج. فرصت: یعنی اختصاص زمان مناسب برای فعالیت‌ها و مهارت‌های یادگیری چندگانه؛ د. مرتبط بودن، یعنی ارتباط داشتن محتوا با زندگی و تجربیات روزمره و مسائل روز؛ ه. سودمندی؛ و. قابلیت یادگیری.

نگارنده معتقد است، یکی از مشکلات آموزش ریاضیات و علوم تجربی در کشور ما، ارتباط کم آموزش ریاضیات با زندگی و تجربیات روزمره است. لذا اگر انتظار داریم عملکرد دانش‌آموزان در آموزش ریاضیات و علوم تجربی به‌طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یابد، لازم است محتوایی که برای آموزش این دروس در نظر گرفته می‌شود، بیش از پیش با زندگی، تجربیات روزمره و مسائل روز مرتبط باشد.

* منابع

۱. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۷). آنچه باید و نباید از نتایج تیمز و پرلز انتظار داشت. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۲. ملکی، حسن (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). انتشارات مدرسه. تهران.